

کارگر کمونیست ۸۵

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



دستاوردها و جایگاه مبارزه کارگران نیشگر هفت تپه

متن مصاحبه با اصغر کریمی در برنامه تلویزیونی
"کارگران و یک دنیای بهتر"

مهمی داشته اند و تجارب بسیار بزرگی را پشت سر گذاشته اند و تا همینجا راه مبارزه را بشیوه ای درخشان و بسیار رزمنده و سرسختانه به بقیه مردم نشان داده اند. اعتصاب هنوز ادامه دارد و ما الان در وسط یک مبارزه طولانی مدت این کارگران هستیم. یکی از دستاوردهای خوب این اعتصاب

صفحه ۵

هرچند هنوز به خواسته هایشان نرسیده اند، یعنی نه کارفرما و دولت دستمزدهایشان را داده اند، نه احکامی که علیه رهبرانشان صادر کرده اند پس گرفته شده، نه شفیعی و نه عوامل حراست و سرکوب برکنار شده اند، با اینهمه دستاوردهای

بیاده کننده - ناصر احمدی
شهلا دانشفر - اعتراض ۱۸ روزه کارگران هفت تپه حرکت مهمی است و جایگاه مهمی دارد. نظر شما چیست؟
اصغر کریمی - کارگران هفت تپه

جنبش اعتراضی معلمان: کدام چشم انداز؟

این استقلال اما الزاما به معنی تفوق یک جریان رادیکال و سوسیالیستی در درون این جنبش نیست. یعنی آن نیروی بالقوه ای در درون جنبش معلمان که در صورت متشکل شدن و ابراز وجود در قامت رهبری این اعتراضات میتواند این

صفحه ۳

منطقه و خصوصا بازنشستگان، در جهت تحقق خواسته هایشان، این حرکات را از اعتراضات قبلی متمایز میکند. از دیگر نکات برجسته در این زمینه خود جوشی و استقلال این اعتراضات از تشکلهای رسمی و فعالین شناخته شده دور قبل، اعتراضات معلمان است.

مرتضی فاتح
در آستانه پایان سال تحصیلی تجمعات و تحرکات اعتراضی معلمان همچنان در شهرها و مناطق مختلف کشور در جریان است. اگر چه این اعتراضات به گستردگی کمی و سراسری اسفند ۸۵ نیست، اما تداوم و پیگیری معلمان هر



ناصر اصغری

جایگاه مبارزات سازمان یافته کارگران هفت تپه

زمان با ایزوله، اخراج و یا دستگیری "عناصر مسئله ساز" در بین کارگران

صفحه ۸

است؛ گرچه مواردی نیز چنین است. در این بین هفت تپه نمونه ویژه، استثنائی و جالبی بوده است. هیچ درجه از وحشیگری هیچ رژیمي نیز قادر نیست از بروز چنین اعتراضاتی جلوگیری کند. این اعتراضات معمولا با وعده و وعیدهای دست اندرکاران و مقامات مسئول و بمرو

بخش اعظم اعتراضات کارگری در ایران در چند سال اخیر، اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها بوده است. این اعتراضات تا حد زیادی پراکنده و بخش زیادی از آنها خودانگیخته و فاقد سازماندهی قابل توجهی بوده اند. اعتراضات به سیستماتیک بودن این مسئله نبوده



کازم نیکخواه

یادداشت سردبیر

کارفرمایان و حکومتشان
قاتل کارگران شازند هستند

بیش از اینهاست. بهررو این یک فاجعه دردناک است. جانباختن این رفقای کارگر و این احساس که این دوستانمان دیگر در میان ما نیستند برآستی تاسف آور است و همینجا به خانواده ها و دوستان و بستگان این کارگران جان باخته و همه کارگران این فاجعه را تسلیت میگوییم و به آنها صمیمانه اعلام میکنیم که ما را در غم خود شریک بدانید. همه کارگران میدانند که مسبب مرگ این همه دوستانشان چه کسانی هستند. کارفرما و سرمایه دارانی که کارگر و خانواده اش را در روز روشن دارند با کشیدن رمقشان و بالا کشیدن دستمزد ناچیزشان به لبه مرگ و نابودی میرانند، روشن است که مشغله و مساله ای بنام ایمنی

صفحه ۱۱

در فاصله انتشار شماره قبل و شماره کنونی نشریه کارگر کمونیست اتفاق ناگواری را شاهد بودیم. بدنبال آتش سوزی در دو کارخانه در شازند اراک دهها کارگر جان باختند و شمار بسیاری آسیبهای جدی دیدند. روز پنج خرداد دو کارخانه در شهرک صنعتی بازنه از توابع شهرستان شازند آتش گرفتند و بنا به گزارشهای اولیه دولتی ۲۵ کارگر در جا کشته شدند و بیش از ۵۰ نفر آسیب های جدی دیده اند و حال بسیاری از آنها وخیم گزارش شده است. روشن است که جمهوری اسلامی اطلاعات دقیقی از این نوع رویدادها را منعکس نمیکند و تلاش میکنند روی آن سرپوش بگذارد. اما از همین حد از گزارشها روشن است که شمار تلفات

- مبارزه کارگران هفت تپه وسکوت و شماتت دوستان!
صفحه ۲- یاشار سهندي از ایران

- اخبار اعتراضات کارگری در ایران - صفحه ۱۶
تنظیم: محمد شکوهي

- گزارشی از ادامه مبارزه قدرتمند کارگران نیشگر هفت تپه
صفحه ۲۰

- از کارگران دستگیر شده اول مه حمایت کنیم - صفحه ۱۳
- دو پیام و دو نامه - صفحه ۱۰

- جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود. فراخوان به آکسیون اعتراضی در ۶ ژوئن - صفحه ۱۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مبارزه کارگران هفت تپه و سکوت و شماتت دوستان!

مبارزات به جایی خواهد رسید و نمره قبولی از دیدگاه ایشان به آن داد؟ ایشان که خود را مارکسیست و کمونیست میدانند و یاد گرفته اند که مدام تکرار کنند که "پرولتاریا گورکن سرمایه داری است" اما در برخورد با یک مبارزه مشخص از یک بخش مشخص از طبقه کارگر ایران فغان بر می آورند: "که هنوز کافی نیست و خیلی مانده تا این مبارزات واقعا در چارچوب مبارزه ضد سرمایه داری گنجانند".

در نوشته‌ای دیگر در همین نشریه (کارگر کمونیست) اشاره کردیم که زمانی ما کارگران ارج و قربی داشتیم. یک کارگر میگفتند و صد تا کارگر از دهانشان بیرون می آمد. ستایشی از ما کارگران میشد که از هیچ پادشاهی در طول تاریخ نشده بود. اما اکنون که ما کارگران پا به میدان گذاشتیم و یک پای همه معادلات سیاسی جامعه شدیم این مبصران به صف شده اند تا ثابت کنند که هنوز رشد نکرده ایم، افقمان شکل نگرفته و هنوز این افق خام و ناروشن است. مبارزات کارگران در قرن نوزدهم را سوسیالیستی میدانند اما مبارزات کارگران در قرن بیست یک را خام و نارس میدانند. از مبارزات کارگران ایران در دهه بیست شمس برای تشکیل اتحادیه تمجیدها میکنند، اما مبارزات کارگران در دهه هشتاد شمس که همانگونه اشاره شد یک پای ثابت معادلات سیاسی جامعه امروز ایران شده است عقب مانده و تدافعی و نارس و عقیم نام میبرند. اگر کارگر در هفت تپه خوزستان مبارزه میکند و کارگر در ایران خودرو تهران ساکت است، اگر کارگر شرکت واحد تهران اعتصاب میکند و کارگر نفت کاری نمیکند، اگر کارگر نساجی کردستان در مبارزه بسر میبرد و کارگر ذوب آهن اصفهان هیچ عکس العملی نشان نمیدهد دلیل بر این میدانند که کارگران دست به کلاه هستند و خجالت هم سرشان نمی شود! هر روز

تهران! اکنون، حالا در طی یکسال گذشته این پرچم را کارگران هفت تپه بردوش میکشند. و در این میان نیز صدها کارگاه کوچک و بزرگ در یک نبرد نابرابر در مصاف با همه دستگاه امنیتی رژیم سفک قرار گرفتند و پیگیرانه در پی خواسته هایشان بودند. ممکن است مبارزه کارگران هفت تپه به همه اهدافش نرسد یا شکست بخورد. البته تا شکست را چی تعریف کنیم؟ تا همینجا اما کارگران نیشکر هفت تپه جلوه دیگری از مبارزه طبقاتی در ایران را به نمایش گذاشته اند و درسهای زیادی برای طبقه کارگر داشته اند. قصد این نوشته این نیست که درسهای این مبارزه را بشکافد. خواننده را رجوع میدهم به نوشته گویای اصغر کریمی در نشریه انترناسیونال که از این دریچه به این مبارزات پرداخته است.

میخواستم به یک نکته مهم که این مبارزات باعث برجسته تر شدن آن شده است بپردازم. و آن برخورد جریاناتی است که ما کارگران همیشه خدا یک چیزی به ایشان بدهکاریم که گویا یک "وظیفه تاریخی" را پشت گوش انداخته ایم. مثل یک مبصر بی انصاف فقط گوش ما را میکشند. و طرف ما را که دولت باشد از همان ابتدا اعلام میکنند: "که حسابش پک است پس احتیاج به چند و چون کردن کار دولت نیست تو که طبقه کارگر هستی چرا کار را تمام نمی کنی پس هر بلایی سرت بیاد حقت است!" همگی به صف شده اند تا ثابت کنند این مبارزات هم به جایی نمیرسد. دلیلش هم این است که کارگران بخشهای دیگر ساکتند و مثلاً اعتصاب حمایتی راه نمی اندازند. و منتظرند شتر هم در خانه خودشان هم بخوابد (خبر ندارند شتر داخل خانه مان خوابیده!!) و یا گویاتر اینکه "کارگران دست به کلاه خود دارند!" سوال از این دوستان اینجاست، این مبارزات باید به چه شکلی باشد تا قبول کرد این

یاشار سهندی

باید بر کارگران هفت تپه درود فرستاد که در این شرایط حاد و یورش دولت اسلامی سرمایه به ته مانده سطح معیشت ما و کلا اساس زندگی ما کارگران و کل توده مردم زحمتکش، پرچم مبارزه جانانه ای را برداشته اند و متحد به پیش میبرند. بیست و چند روز اعتصاب و مبارزه در سایه این رژیم وحشی کار کوچکی نیست. اگر کارگران هفت تپه هیچ دستاوردی برای ما نداشته باشند نفس همین که در تمام این مدت متحدانه در اعتصاب بسر بردند و از خواسته های خود کوتاه نیامدند درس و دستاورد بزرگی است. آنهایی که در ایران در یک اعتصاب کارگری شرکت داشته اند میدانند بدون وجود تشکیلات، سازمان دادن یک اعتصاب، هدایت و رهبری آن، یکپارچه و متحد نگه داشتن کارگران در این شرایط پلیسی و فاشیستی چه کار طاقت فرسایی است. آنهم به مدت بیشتر از بیست روز. یاس و ناامیدی، فشار و تهدید حراست و پلیس امنیتی، فریبکاری کارفرما، بی پولی و گرسنگی ... هر کدام از اینها کافی است تا یک اعتصاب را به شکست کشاند. حال تصور کنید که کارگران هفت تپه دست به چه کار بزرگی زدند. کارگران هفت تپه شعار میدهند "کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم، گرسنه ایم." باید این شعار را نیز اضافه کرد و گفت: "کارگر هفت تپه اید سرورید، سرور". این یک تعارف نیست، برای دلخوش کردن خودمان هم نیست. پر واضح است که این مبارزه به یک معنا "نیابتی" از سوی کل طبقه کارگر ایران است. ما کارگران ایران اکنون از یک تشکیلات سراسری محروم هستیم که همگی و یکپارچه در مقابل سیاستهای بشدت ضد بشری دولت و کارفرمایان بیستیم. زمانی کارگران نساجی سنندج پرچم این مبارزه را بر دوش کشیدند، زمانی دیگر کارگران شرکت واحد



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران
درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email:

kazem.nikkhah@googlemail.com

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

شها دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

markazi.wpi@gmail.com

دفتر
مرکزی
حزب

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

جنبش اعتراضی معلمان ...

از صفحه ۱

جنبش گسترده و تاثیر گذار اجتماعی را در مسیری درست و انسانی هدایت کند.

اما تا به امروز و در غیاب تشکل چنین فعالینی در این جنبش، میتوان دو گرایش عمومی را در سطح تشکلهای رسمی و فعالین شناخته شده تشخیص داد. در اینجا باید تاکید کنم که این دو گرایش الزاماً سخنگوی خواسته های عمومی معلمان و تا آنجا که به توده معلمان و بدنه اجتماعی آن مربوط میشود، نماینده ماهیت رادیکال این گروه اجتماعی نمیشوند.

پس از افت و خیزهای بسیاری که طی چند ساله اخیر در این تشکلهای فعالین مرتبط، اتفاقات افتاده، امروز این دو جریان با شفافیت بیشتری در برابر جامعه قرار دارند.

جریان اول که در ابتدا اکثراً از طرف سازمان های دولتی و سخنگویان دوم خردادی و متعلقین سیاسی این جناح از حکومت پشتیبانی میشد، بر این اعتقاد بود که در دوره دولت قبل حرکات اعتراضی معلمان با توجه به وضعیت عمومی دوم خرداد یها در حاکمیت، باید رقیب و تنها به نمایشی برای اثبات شعارهای جامعه مدنی این جناح تبدیل شود. این تشکلهای بدلیل انزوایشان در میان معلمان واز آنجا که اساساً هر تشکل مرتبط با حکومت ویا مدافع آن در میان مردم منزوی میگردد، در این دوره تنها سعی در جلوگیری و کارشکنی در میان فعالین و اعتراضات جاری معلمان داشت که در این زمینه میتوان به نقش چنین تشکلهائی در جریان اعتراضات سال های ۸۲ و ۸۳ اشاره کرد. چنین گرایشی به دلیل ماهیت خود سعی در ایجاد فضائی در میان معلمان داشت تا آنان را به صحنه رقابتهای سیاسی جاری میان جناح های حکومتی وارد کرده و از آنان به عنوان سیاهی لشکر رای دهندگان انتخاباتی در جهت جناح دوم خردادی و یا کارگزارانی خویش استفاده نماید. در مقطع روی کار

بودن دولت خاتمی بسیاری از فعالین شناخته شده در مخالفت و تقابل با این جریان دوم خردادی، با صنفی خواندن مبارزه خود، با این جریان مرزبندی نموده و در نتیجه نتوانستند اعتماد بدنه اجتماعی معلمان را مجدداً به خود جلب نمایند. البته فشارهای وارده از سوی حکومت و نهادهای امنیتی دولتی اصلاح طلبان حاکم بر این تشکلهای سخنگویانشان را نباید از یاد برد.

در این دوره اکثر فعالین تشکلهای معلمین علیرغم فشارها و دستگیری ها و آزار و اذیت های ارگان های امنیتی و وزارتخانه ای، بر مطالبات صنفی خود پا فشاری نمودند و از ورود به عرصه خواسته های سیاسی و اجتماعی عمومی پرهیز نمودند. اما در همین دوران نیز به هر حال بخشی از فعالین مستقل در جنبش معلمان با این اعتقاد که زندگی اجتماعی معلمان نمیتواند از نیازهای صنفی و شغلی شان جدا باشد و برای نتیجه گرفتن از مبارزات صنفی باید به عرصه نیازهای اجتماعی نیز وارد گردید، جریان صرفاً صنفی را به چالش کشید.

با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و افول ستاره اقبال دوم خردادیهها در جامعه و همچنین به بن بست رسیدن هرگونه سیاست محافظه کارانه در برخورد به حاکمیت، در میان فعالین و تشکلهای معلمین نیز تغییراتی پدید آمد. بخش از تخت افتاده دوم خردادی اینبار در قالب اپوزیسیون دولت حاکم عرض اندام نمود اما از آنجا که خود چندان وجهه و نفوذی در میان معلمان نداشت، پس از اعتراضات سال ۸۵ بخشی از فعالین شناخته شده صنفی، دور قبل همچون بهشتی و باغانی و... را با خود همراه کرد تا در انتخابات مجلس از این جریان حمایت کنند. این افراد نیز که پس از قدرت نمائی سال ۸۵ معلمان نسبت به توانائیهای فردی خویش متوهم شده بودند با ایجاد تشکلی به نام شورای صنفی - مدنی معلمان با شرکت در این بازی،

عملات تبدیل به سخنگویان گرایش حکومتی در جنبش معلمان گردیدند.

از سوی دیگر پس از اعتراضات سال ۸۵ بخشی از فعالین و تشکلهای معلمین همچنان بر صنفی بودن خود و پرهیز از سیاست تاکید داشته و با حفظ خود در پس نوعی منزله طلبی صنفی، از ورود به عرصه اجتماعی و مطرح کردن خواسته های سیاسی و اجتماعی پرهیز مینمایند. که همین امر موجب انفعال آنها در شرائط متلاطم امروز است. اگر چه در صداقت اجتماعی این دسته از فعالین تردیدی نیست اما در این میان همچنانکه طی این مدت شاهد بوده ایم، معلمان در چنین شرائطی راساً برای تحقق خواسته هایشان دست به عمل خواهند زد. این امر باعث هدر رفتن تلاش چند ساله این دوستان در جهت متشکل شدن و حرکات همبسته معلمان است.

تصور این دوستان از عدم ورود به عرصه مبارزه آمیخته با خواسته های اجتماعی و سیاسی، نشأت گرفته از همان دیدگاه قدیمی است که سیاست را عرصه رقابت نیروهای حاکم بر جامعه میدانند و ورود به این عرصه را به نوعی آلوده شدن به ترشحات این بازی غیر انسانی تصور میکنند. (اگر مسائل امنیتی مرتبط با این مسئله را فاکتور بگیریم). این دقیقاً همان نگاهی است که جریان مقابل این دوستان در جنبش معلمان دارد. اما آنها از ورود به این میدان و حتی پذیرفتن مسئولیت در این عرصه ابائی ندارند. چنین نگاهی به مبارزه صنفی و سیاسی، نشان میدهد که آنان هنوز به درک درستی از کیفیات و ساختار و نیروهای محرکه پیش برنده سازمان اجتماعی موجود، دست نیافته اند و نیروهای اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه را نه به عنوان یک کلیت در هم تنیده سیاسی و اقتصادی، با دولت و سایر ارگانهای سیاسی و امنیتی، بلکه بیشتر نیروهای پراکنده و رموزی که در یک مجموعه ساده گرد آمده اند میپندارند. چنین تصویری از جامعه نمیتواند تشخیص دهد که چه رابطه ای بین دولت و

جامعه و سیاست و اقتصاد وجود دارد. دولت و سیاست را جدا و فراتر از تعارضات پایه ای و اصلی جامعه که مابین مزد بگیران و سرمایه داران در جریان است، میبیند و موقعیتی مستقل از این مبارزه برای سیاست و قدرت دولتی قائل میشود. به دلیل همین نگرش هنگامی که خواسته های طبیعی و به حق شان از سوی ارگانهای دولتی مورد توجه قرار نمیگیرد، آنان متحیر و مبهوت میشوند. برای این دوستان سیاست امری است که به قدرتهای حاکم و نیروهای سیاسی حاکمیت تعلق دارد. بنابراین یا باید برای دخالت در سیاست به زمین بازی این جناح های حکومتی و طبقه مسلط اجتماعی، وارد شد و یا برای آلوده شدن به کثافات نیروهای سیاسی حاکم باید از سیاست کناره گرفت.

اما با هر تفکر و نگرشی، ساده دل ترین فعالین اجتماعی میدانند، سیاست و مطالبات سیاسی و اجتماعی، امروز حتی در ساده ترین خواسته صنفی نیز متبلور میشود. خواست افزایش دستمزد ویا رسمی شدن معلمان حق التدریس هر چند که فی نفسه خواسته ای صنفی و رفاهی است، اما در شرایط امروز ایران و از آنجا که به تقابل با حکومت و ساختار سیاسی و اجتماعی موجود، که اساسش بر بی حقوقی مزد بگیران و بی مسئولیتی حاکمیت در برابر جامعه است، کشیده میشود به ناگزیر تبدیل به مطالبه ای سیاسی و اجتماعی میگردد. به همین دلیل است که نماینده قدرت سیاسی طبقه حاکمه، یعنی دولت و حاکمیت، با چنین سعیی به سرکوب معترضان میپردازد. که ما نمونه آن را در میدان بهارستان شاهد بودیم.

تشکلهای فعالین معلمان تا از این تناقض میان عمل اجتماعی خود و تفکر شان رهائی پیدا نکنند و اعتراضات خود را با نیروهای گسترده و پیشرو اجتماعی پیوند نزنند همواره اسیر افت و خیزهای دوره ای اعتراضات عمومی معلمان خواهند بود، روندی که انتهای آن فرسایش و نومیدی بدنه اجتماعی از

رهبران عملی است.

تنها زمانی میتوان از این سرنوشت رهائی یافت که پیوندی مناسب میان خواسته های صنفی و مطالبات گسترده تر اجتماعی و خواسته آزادی های سیاسی و اجتماعی در این جنبش برقرار گردد. انجام چنین امری دشوار نخواهد بود، اگر فعالین به درکی عینی از جایگاه و نیروی اجتماعی معلمان و هم سرنوشتی این گروه با سایر مزد بگیران دست یابند و آماده باشند تا روش ها و اهداف منطبق با این درک را در مبارزه جاری معلمان به کار گیرند.

با به کار گیری مطالبات ملموس در عرصه اقتصادی و اجتماعی در همبستگی گسترده با سایر مزد بگیران و تفاوت قائل نشدن میان عرصه زندگی صنفی و زندگی انسانی و اجتماعی معلمان، میتوان زمینه گسترده ای از حمایت شدن و حمایتگری را فراهم آورد. با چنین رویکردی میتوان مبارزات خود جوش و پیگیری فعلی را همبسته و سراسری کرد. در پرتو این مبارزه سراسری و نمایش قدرت اجتماعی است که معلمان میتوانند در حاشیه امن و به دور از فشارهای حاکمیت باشند.

مسئله چنین نیروئی نه فقط در سرنوشت خود دخالتگر است بلکه در همبستگی با کارگران و سایر گروه های معترض اجتماعی مانند جوانان، زنان میتوانند به امری تعیین کننده تبدیل شود.

همبستگی و پیوند جنبش معلمان با جنبش کارگری در ابعاد اجتماعی و حتی تشکیلاتی میتواند این جنبش را به عرصه ای از دخالتگری سیاسی در جامعه وارد نماید، که نه تنها به کشفات دنیای سیاسی استثمارگران آلوده نخواهد شد، بلکه قدرت بسیار بیشتری برای تحقق خواسته های فوری خویش می یابد و در سطحی کلی تر دخالتگری سیاسی او در کل فضای سیاسی جامعه تاثیر پیشروی برجای خواهد گذاشت.

مبارزه کارگران هفت تپه ...

از صفحه ۲

در گوشه ای از این مملکت کارخانه ای در اعتصاب است اما بخاطر دلایلی این مبارزات یکپارچه، با وجود خواستها مشترک، نیست. اما این دوستان فراموش میکنند یا خودشان را فراموشی میزنند، اگر همه اعتصابات در جریان، در پیوند با هم شکل بگیرد یا میگرفت اوضاع اساسا اسم دیگری داشت که همه این دوستان از بردن نام این شکل از مبارزات کهیر میزنند و تا میتوانند در ادبیات شان از کلمه انقلاب پرهیز میکنند. من شک ندارم فردا روزی هم این شکل از مبارزه اتفاق بیفتد خواهند گفت: "هنوز زود است انقلاب شرایطی دارد که فراهم نشده است!" هر بیانیه و تحلیل های ایشان را میخوانی عوض اینکه حس همدردی کسی را برانگیزد این احساس به شما دست میدهد که حق کارگر است که بزنند تو سرش و بیشتر از این سرش بیاید. و خطاب بیانیه شان دقیق رو به ما کارگران است که چرا خجالت نمی کشیم و کاری نمیکشیم. در صورتی که همان بیانیه به بهانه یک اعتصاب مهم (در حال حاضر اعتصاب کارگران هفت تپه) منتشر شده و وقتی میخوانید به من کارگر احساس گناه دست میدهد که اگر کارگران سرکوب شدند و یا شوند تقصیر من است! نه سفاکی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی.

یک عده از دوستان که خود را "فعال صدیق و راستین کارگری" میدانند و چون زمانی دست به آچار بودند یا شاید هم هستند، مسایل کارگری را حوزه مطلق خودشان میدانند که کسی نباید بدون اجازه ایشان وارد شود. اول باید کف دستان خود را رو کنید که آیا آثار پینه در آن دیده میشود یا خیر، بعد اجازه اظهار نظر دارید. تا امروز (در بیست سومین روز مبارزه کارگران

به کارگران مصر هشدار میدهند که از حیظه قدرت خود فراتر نروند! خیلی محترمانه خواستند که کارگران مصر مواظب باشند تا مبارزات شان مشخصا رنگ و بوی سیاسی نگیرد بلکه مانند یک دیپلمات محاسبه کنند که توان شان چقدر است بعدا اگر لازم شد شاید بشود کاری کرد!! اما بنده تا حالا یک بار نه از ایشان نه از سازمان متبعشان شنیدم و نخواندم که مبارزات کارگران ایران را تهاجمی بدانند. البته ما یک مشت بدبختیم که حتی قادر نیستیم حقوق ماهانه مان را بگیریم! یکی نیست بگوید: "که پدر من! طرف به ضرب یک دولت سراپا مسلح و وحشی حقوق ما را نمیدهد و ما بزور باید هر ماه دستمزدمان را بگیریم و در مقابل کوچکترین اعتراض کارفرما کارگاه فکس می یاد پلیس ۱۱۰ می افتد. آنوقت شما ما را شماتت میکنید چرا ساکتیم؟" حالا بگنیم یعنی مبارزات کارگران هفت تپه اینقدر ارزش ندارد که شما (آقای شالگونی) یک تفسیری بر آن بزنید حالا هر چی که میخواهید بیان دارید! بعد از ۱۲ روز اعتصاب کارگران هفت تپه در تشریه "راه کارگر" بیانیه "سازمان راه کارگر" آمده، نگذاشتند و نه برداشتند و خود ما کارگران را مقصر میدانند که از همدیگر حمایت نمیکنیم. فرض کنیم این درست است که ما کارگران ساکتیم و دستمان به کلاه خودمان است. شما به عنوان یک سازمان سیاسی فقط ما را شماتت نکن عزیز! یک کاری نکنید. درب ورودی ILO را از جا بکنید و نگذارید که جانبان سرمایه به عنوان نماینده ما کارگران ایران حرف بزنند. خواسته زیادی است؟ در بیانیه سازمان "راه کارگر" آمده که کارگران هفت تپه هنوز نتوانسته اند به خواسته های خود برسند چون ظاهرا ما کارگران بخشهای دیگر از ایشان حمایت نمیکنیم باشه! قبول، حق با

شما! ما سعی میکنیم که نقاط ضعف مان را برطرف کنیم شما هم لطفا برای یکبار هم شده به مبارزات از دریچه قدرت طبقه بنگرید نه ضعف، خواسته سختی است؟! اگر نزد اتحادیه های کارگران در کشورهای دیگر میروید (که امیدوارم بروید) لطفا وقتی از مبارزات کارگران ایران تحلیل میدید چهره یک طبقه مفلوک و نگون بخت ارایه ندهید. کافی است فقط آمار بدهید که روزانه چند اعتصاب در این مملکت شکل میگیرد تا ببینم آنها چه میگویند. اما گل سرسبد این نحوه برخورد یا به بیان صحیحتر رک گوترین این جریانات "حزب ناکمیتیست" است. که هر گاه خواسته از مبارزات کارگران ایران مثلا حمایت کنند و یا رگ غیرت ما کارگران را بجنابند خیلی راحت و ریلکس ما را متهم میکنند که دو دستی کلاهمان را چسبیده ایم که باد نبرد.

این دوستان خبر ندارند که سالیانی است کلاهی بر سر مان نیست! شما لطفا مواظب کلاه خود باشید که باد برده در اردوی راست انداخته! و مصیبت اینجاست رفتید کلاه تان بردارید در همان اردو مانند و متاسفانه خرعبلات همانها را به سمت ما کارگران پرتاب میکنید.

این نحوه برخورد به مبارزات کارگران و کل توده مردم که "هر کس مواظب کلاه خود است که باد نبرد" پایه و اساس و شیوه برخورد جریانات راست است که میخواهند به توده مردم حقنه کنند که شما هیچی نیستید. میخواهند به مردم بقبولاند که هیچ نقشی در عرصه مبارزات اجتماعی ندارند. مردم را بازبچه دست جریانات پشت پرده میدانند و همین را هم به توده کارگر و زحمتکش میخواهند حقنه کنند. تلاش شبانه روزی شان این است که مردم از عرصه مبارزات سیاسی کنار روند تا خود از بالا هر تصمیم

ضد مردمی دارند که بگیرند و به اجرا بگذارند. مردم را بی اراده نشان میدهند تا به جامعه حالی کنند که ما سرنوشت توده مردم را در دست داریم. ما کم نشنیدم از زبان دوست و همکار و فامیل همسایه و مردم داخل تاکسی و اتوبوس که: ای بابا! مردم بی عرضه هستند. حق شان است هر چه بلا هست سرشان بیاید. هر کی فقط به فکر منفعت خودش است. "این شمره تلاش بی وقفه بورژوازی است. با این وجود همین مردم هر جا که دست شان برسد بر علیه شرایط فلاکت باری که گرفتارش شده اند دست به مبارزه میزنند. اما سوال اینست که دوستان ما که ظاهرا میخواهند کار دگر کنند چرا همین حرفها را یک ریز تحویل کارگران میدهند؟ اینها هم ما کارگران را متهم میکنند در فکر نفع شخصی مان هستیم. باز هم تکرار میکنیم: "آقا جان، قبول! ما دستمان به کلاهمان است شما به عنوان یک حزب سیاسی چکار میکنی؟ فقط سر ما داد میزنی که چرا از همکاری حمایت نکردی؟ شما به عنوان یک حزب سیاسی فقط کارت این شده به کارگرانی که دست به ایجاد تشکل میزنند تا شاید کارگران راه نجاتی بیابند ایراد بگیری که این تشکل کارگری هست یا نیست؟ این است حمایت کردن از مبارزات کارگران؟ این مفهوم "حمایت از هر دو خشتی است که کارگران روی هم میگذارند" است؟ انتقاد میکنی، رهنمود میدهی؟ خب قبول! کسی جلو شما را نگرفته هر کس جلو شما را گرفت ما از شما دفاع میکنیم! اما دوستان! آب روی آتیش مبارزات کارگران نریزد و بعد هم نگوید: "ای بابا این مبارزات راه به جایی نمی برد. سرکوب میشود. کارگران هم که خجالت نمی کشند و دستشان به کلاه شان است."

همانطور که اشاره شد، این دوستان در پی کار دیگری هستند. نام خود را مارکسیست و کمونیست

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

دستاوردها و جایگاه ...

از صفحه ۱

آنهم در شرایطی که اعتصاب ممنوع است و رهبران کارگران مرتب زیر فشار هستند، نفس موفقیت در سازماندهی يك اعتصاب طولانی مدت (امروز هیجدهمین روز اعتصاب است) از یکطرف و از طرف دیگر بارها تجمع و راهپیمایی در خیابان و بستن جاده و کلا حضور در شهر که با اینکار توانستند توجه مردم را وسیعاً جلب کنند، بسیار مهم است. خود این يك موفقیت است که در کشوری که اعتصاب و تظاهرات ممنوع است کارگران نزدیک به سه هفته اعتصاب میکنند، راهپیمایی چند هزار نفر میکنند و مردم هم به آنها ملحق میشوند. با همین کارها است که در عمل کارگران اعتصاب را علیرغم غیرقانونی بودن آن تحمیل کرده اند.

يك جنبه مهم دیگر این مبارزه که به آن اهمیت ویژه ای میدهد، حضور همسران و اعضای خانواده کارگران و جوانان و مردم شوش در راهپیمایی کارگران است. در اعتصاب ۱۱ روزه ۷ ماه پیش، کارگران چندین بار تهدید کردند که اگر به خواسته هایمان نرسیم باتفاق اعضای خانواده مان بیدان خواهیم آمد ولی موفق به اینکار نشده بودند، اما اینبار موفق شدند که اینرا عملی کنند که این خود فوق العاده دستاورد مهمی بود. در شرایطی که کارفرما و دولت و عوامل حراست و همه ارگانهای سرکوب تمام نیرویشان را بسیج میکنند و از شهرهای دیگر لشکر کشی میکنند، کارگران هم در مقابل راهی جز بسیج نیروی خود ندارند. و خانواده ها نزدیک ترین نیرو به کارگران اعتصابی هستند. کارگران اینبار بر سنتهای دست و پا گیر و هرگونه مشکل و مانعی که در این زمینه جلو راهشان بود غلبه کردند و در نتیجه زنان در صف اول راهپیمایی قرار گرفتند و این مساله

چنان فضائی در شهر ایجاد کرد که بقیه مردم شهر بویژه جوانان هم بصفشان پیوستند و چندین بار در صفوف چندین هزار نفره در شهر راهپیمایی کردند. کارگران با اینکار الگوی تازه ای به سایر مراکز کارگری و سایر شهرک های کارگری دادند. حتماً اینکار ساده نبوده و موانع هم کم نبوده اند، اما اینکه اینبار موفق به اینکار شدند نتیجه رشد آگاهی طبقاتی کارگران و درک اهمیت این مساله بود. قبلاً هم مواردی از شرکت همسران و اعضای خانواده کارگران را در سایر شهرها شاهد بوده ایم، اما مورد هفت تپه ابعادی تازه و کیفیتی تازه به این مساله داد.

يك نکته دیگر در مورد اهمیت حضور همسران و اعضای خانواده ها و مردم شهر این بود که به مبارزه بعدی بسیار اجتماعی تر و قدرتمندتر داد. مردم این اعتراض را نسبت به تجمعات قبل بیشتر به خود مربوط میدیدند، و تصویر کارگران هفت تپه در جامعه عوض شد. حتی مغازه دارها مغازه هایشان را بستند.

نکته دیگر مربوط به رابطه کارگران با رهبرانشان بود. اینبار کارگران فعال تر از رهبران خود حمایت کردند و به رژیم گفتند که اگر رهبران ما را دادگاهی کنید ما هم در جلوی دادگاه جمع میشویم و اگر به دادگاه شهر دزفول میبریدشان ما هم همگی به شهر دزفول میاییم و تجمع میکنیم و آنها را تنها نمیگذاریم. (شهلا دانشفر: و عملاً هم این کار را کردند و برای همین هم آنها دادگاهشان را ناتمام گذاشتند و قرار شد که جلسه دیگری بگیرند). کارگران پرشور از رهبران خود حمایت کردند و خیلی صریح در مطالبات خود طرح کردند که پرونده ها تماماً باید باطل شود و احضار کارگران متوقف شود. و در این

زمینه نیز کارگران هفت تپه درس بزرگی به کل طبقه کارگر دادند که موقع احضار فعالین به دادگاه و اطلاعات نباید گذاشت تنها بروند. باید آنها را همراهی کرد، باید در مقابل دادگاه تجمع کرد. باید گفت محاکمه آنها محاکمه همه ما است. باید به اطلاعاتی ها و بازجوها گفت اگر حرفی دارید در مقابل چشمان همه ما بزنید تا ما هم متوجه شویم رهبرانمان جرمشان! چیست. بهررو اینبار بخشی از دستاوردهای کارگران تا اینجا بود.

شهلا دانشفر - در گزارشی از این اعتراض خواندم که زمانی که رهبران کارگران را در دادگاه متهم میکردند به این که اعتصاب راه انداخته اند و آنها را بعنوان عاملین اعتصاب محکوم میکردند یکی از کارگران آمده جلو و گفته که، "کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم"، و گفته که خب، اگر این جرم است آنوقت منم مجرم هستم، گفته ما جرمی نکرده ایم، ما فقط آمده ایم و همین را گفته ایم و گفتن اینهم جرم نیست. بله واقعاً روی يك نکته بسیار جدی تاکید کرده بودند. بطور واقعی وقتی میگویند کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم، و یا معیشت و زندگی حق مسلم ماست شعاری هست که در قلب جامعه میشیند و یا خود این شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" ابعاد این حرکت را ۱۰۰ برابر بیشتر میکند، و اما در مورد خواسته های این اعتصاب میبینیم که مجموعه ای از خواسته های مهم و فوری را طرح میکنند، یکسری خواسته هایی که در قطعنامه های طولانی شان دیده ایم که عملاً زمانی که از کارگری میپرسیدند که خواست شما چی هست میگفت که "دستمزد ما را میخواهم"، و کلا دو سه تا خواست فوری داشتند و بقیه خواسته هایشان هم تحت الشعاع اینها قرار میگرفتند. چندان روشن خواسته برجسته و روشن "دستمزدهای پرداخت نشده را

میخواهیم"، رئیس حراست باید بیرون برود"، "احضار رهبرانمان باید پایان داده شود" اینها را طرح میکنند و سپس زمانی هم که از خواسته هایشان دفاع میکنند میگویند ما تشکل میخواهیم! این نوع طرح خواسته ها در واقع هشیاری اینها و جنبه هایی از پیشرو بودن حرکت اینها را نشان میدهد. بعد هم در مورد نحوه دفاع از رهبرانشان هم که شما طرح کردید یکی دیگر از دستاوردهای اینهاست. من میخواهم بگویم که خوب است در این زمینه هم بیشتر صحبت کنیم.

اصغر کریمی - يك نکته اینست که جمهوری اسلامی باندازه ای میتواند کارگران را مرعوب کند که

گذاشتند و فقط نامشان این است. منفعت شان جای دیگری است. و گرنه اینگونه بی وقفه بر علیه کارگران سم پاشی نمی کنند. ایشان می خواهند در کمپ راست پذیرفته شوند برای همین باید منکر مبارزات کارگران شوند. آتموقع که مبارزات از نوع مبارزات هفت تپه شکل میگیرد برای بی اهمیت جلوه دادن آن کارگران دیگر بخشها را متهم میکنند ساکنند.

این سکوت و این شماتت ما کارگران از سوی ایشان دال بر این است که این جریانات در پی نفع دیگری هستند حالا هر چقدر که میخواهند کارگر کارگر کنند. فعالین کارگری در همه مواقع و در هر مبارزه ای که بوده بدون هیچ تردیدی از مبارزات هم حمایت کرده اند و اینرا در همین مبارزات اخیر کارگران هفت تپه شاهد بودیم. اما اینکه توده کارگر روزی همه جانبه در حمایت از همیگر فعالانه شرکت کنند کافی است که يك کم این جو سرکوب بشکند تا همگان شاهد باشند چه جلوه عظیمی از اتحاد کارگری شکل خواهد گرفت. اما تا

رهبرانشان را مرعوب کرده باشد، بدرجه ای میتواند کارگران را عقب براند که رهبرانشان را تنها گیر آورده و محکوم و زندانی کرده باشد و وثیقه های سنگین به آنها بسته باشد و بطور کلی يك درس عبرت منفی برای بقیه بجا گذاشته باشد تا کارگران هم بگویند که خب اگر ما هم بیفتیم جلو همین بلا را سرمان میاورند. اگر از من بپرسند که مهمترین موضوع يك اعتصاب چیست میگویم حمایت از رهبران اعتصاب است و اینکه نگذاریم که تحت فشارشان قرار دهند و کارگران هفت تپه هم ایندفعه واقعاً اهمیت آنرا کاملاً درک کردند و بطور آگاهانه

صفحه ۶

مبارزه کارگران هفت تپه ...

از صفحه ۴

همینجا باید درود فرستاد بر کارگران سنج، شوش، کارگران شرکت واحد تهران، کارگران سقز، کارگران در عسلویه کارگران در پتروشیمی ها کارگران ایران خودرو و ... که در هر مبارزه ای از هم حمایت کردند. اینها از سر ضعیف بودن و تدافعی بودن نیست که جلوه ای است از يك هجوم همه جانبه بر سرمایه و دولت حامی این نظام! درود بر همه کارگرانی که دست به ایجاد تشکل میزنند تا مفری برای رهایی از این شرایط نکبت بار بیابند. درود بر همه آن کارگرانی که با مبارزاتشان باعث شدند جلوه های زیبایی از همبستگی جهانی طبقه کارگر در حمایت از کارگران ایران شکل بگیرد. درود بر همه آن کارگرانی که با فعالیت و همین اعتصابات بر سر حقوق عقب مانده شان صحنه سیاسی جامعه را تغییر دادند و جنبش سوسیالیستی طبقه را در جامعه بشدت مطرح کردند که هم اکنون از هر گوشه ای از جامعه مبارزه ای شکل میگیرد شعار اساسی شان "آزادی و برابری" است. درود به همگی ایشان.

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

دستاوردها و جایگاه ...

از صفحه ۵

گفتند که ما در کنار رهبرانمان ایستاده ایم و اگر محاکمه میکنید همه ما را محاکمه کنید. و همانطوری که شما میگویید زمانی که کارگران گفته بودند که گرسنه ایم و دستمزدمان را میخواهیم، و ما چه جرمی کرده ایم که شما بخواهید محاکمه کنید، بقل شما گفتن این نکته نه تنها به رهبرانشان قوت قلب میدهد و بقولی دل قرصی به آنها میدهد و احساس میکنند که پشتوانه ای دارند، نه تنها احساس میکنند تنها نیستند و در قلب هزاران کارگر و خانواده ها و مردم شهر جا گرفته اند و همه هم پشتشان حمایتشان میکنند بلکه اهمیت دیگری که این مساله دارد این است که نسل جدید رهبرانی که میخواهند جلو بیایند با خیال راحت تری قدم جلو میگذارند. طیف رهبران قدیمی بنا بر فشارهای زیاد ممکن است محدودیتهایی داشته باشند و همیشه نتوانند در صف اول اعتصاب قرار گیرند و همیشه نسلی از رهبران پرشور جوانتر به میدان می آیند و جای رهبران قدیمی را پر میکنند، ولی رهبران قدیمی تر هم تجارب خود را به اینها انتقال میدهند و دوباره يك نسل پرشور و جدیدی بعنوان يك نیروی تازه نفس جلو میاید و اعتصابات را رهبری میکند، و خود همین باعث ارتقا و پیشروی مبارزه میشود. با اینکار رهبران زیادی در میان کارگران شکل میگیرد و فشارهای وارده هم صرفا روی همان پنج شش نفر قبلی سنگینی نمیکند. بنابراین حمایت جانانه ای که این کارگران از رهبران شان کردند، بنظر تاثیر مهمی در بروی صحنه آمدن نسل پرشور و جدیدی از رهبران کارگری میگنجد.

نکته دیگر اینکه عکس رهبران اعتصاب را همین الان الان کارگران پخش کرده اند تا مردم بتوانند با این رهبران کارگری خوشنام آشنا شوند که اینهم یکی دیگر از آن نکته قوتهای مبارزه اینها بود و نشان داد که کارگر باید بگوید که من با

تمامی قدرتم از رهبران خودم دفاع و حمایت میکنم و رو به جامعه نشان میدهد و میگوید که اینها رهبران ما هستند و جرمی نکرده اند، دزدی نکرده اند، کسی را نکشته اند، کسی را شلاق زده و شکنجه نکرده اند، باتوم توی سر کسی زده اند و هیچ خانواده کارگری را از نان نینداخته و بروز سیاه نشانده اند بلکه همه اینها رهبران آگاه و محبوب ما هستند. ایکاش عکس تمام رهبرانشان را بزرگ میکردند و در راهپیمائیه بدست میگرفتند و پلاکارد میکردند و امیدواریم بعد از این چنین کنند و بدینصورت بتوانند بیش از پیش از رهبران خودشان دفاع کنند. اگر رهبر کارگری در این سطح مورد حمایت قرار گیرد، رهبرانی که در قلب مردم قرار بگیرند و مردم هم با عکسها و چهره های آنها آشنا شوند طبعاً مورد حمایت بیشتری هم قرار میگیرند. موقعی که رهبران کارگری گمنام نمانند و همه کارگران و خانواده ها و مردم دیگر نیز آنها را با اسم و تصویر و از نزدیک بشناسند، بهتر از آنها دفاع میکنند و از خود مایه میگذارند.

و نکته آخر همانطور که شما اشاره کردید، شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" در راهپیمائی کارگران بود که نقطه قوت بسیار مهم این مبارزه بود. کارگران در واقع نه تنها خواهان آزادی فعالین کارگری زندانی در عسلیه و غیره بودند، در عین حال کارگران اعلام کردند که اگر رهبران ما را هم بگیرید، در شهر راهپیمائی میکنیم و بقیه مردم شهر را هم با شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" بسیج میکنیم. همین مبارزات همبسته و قدرتمند است که دست جمهوری اسلامی را برای سرکوب وسیعتر میبندد و قدرت مانور نیروهای رژیم را کمتر میکند. این نوع دفاع از رهبران کارگری به جمهوری اسلامی نشان داد که به این راحتی هم نیست که هرطوری که شما دوست داشتید و

هرجوری که شما خواستید میتوانید طبقه کارگر را سرکوب کنید و رهبرانش را تحت فشار قرار دهید.

شهرلا دانشفر- برای اینکه این بخش از بحث را ببندیم و برویم به بخش بعدی در رابطه با همین نکته ای که شما میگوئید بنظر اعتراض کارگران هفت تپه يك حرکت سیاسی بسیار مهم بود. الان در واقع خیلیها در جامعه دارند از اعتراض مردم شهر شوش حرف میزنند چون ابعاد اجتماعی پیدا کرده است. این البته عین واقعیت بود که جوانان و مردم شوش بخوبی آموختند و به این حرکت مهم الگو دادند، و همین اتفاق میتواند در قزوین بیفتد بطوری که همین الان خبری داریم که قرار است در قزوین نیز تجمعی صورت گیرد و ما بارها شاهد تجمعات همزمان کارگران قزوین نیز بوده ایم. لذا همین اتفاق و وضعیت را کارگران قزوین هم میتوانند ایجاد کنند، و همین اتفاق میتواند بدنبال اعتصاب کارگران کیان تایر در تهران انجام گیرد و یا بدنبال کارگران ایران خودرو و دهها کارخانه و مراکز صنعتی بیفتد. این يك اتفاق سیاسی مهم است و بعلاوه اینکه مارش زیبای این کارگران همان شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" بود که مبارزه برای آزادی زندانی سیاسی را وارد فاز نوینی کرد، بدین معنی که اکنون دیگر مردم با راهپیمائی شان می آیند بخوبی و میگویند زندانی سیاسی آزاد باید گردد. میخواهم بگویم که این يك اتفاق ساده ای نیست بلکه يك تحول سیاسی مهم در جامعه ایران است و این در واقع کارگران هفت تپه بودند که استارتش را زدند و در چنین ابعادی خیلی سرسختانه جلو بردند. امیدوارم که همه جامعه توانسته باشند فیلم این حرکت باشکوه کارگران و جوانان و مردم شوش را دیده باشند و ما این فیلم را بارها پخش کرده ایم. سوالی که الان مطرح است اینست که همین امروز کارگران هفت تپه در چه موقعیت مشخصی قرار دارند؟

اصغر کریمی - تا اینجا ما از

کرد. کارگران الان برای ادامه خواسته هایشان به درون کارخانه برگشته اند چراکه رژیم گارد سرکوبش را از جاهای دیگر استان خوزستان آورده و متمرکز کرده در شوش و کارگران هم جاحالی دادند برگشتند به کارخانه، تا دوباره خود را آماده کنند که باز هم به خیابان بیایند. این تصمیم بسیار درستی بود که کارگران گرفتند. نمیشود رفت سر را کوبید به دیوار! يك جاهایی هست که باید عقب نشست و تاکتیک عوض کرد و روش مناسبتری اتخاذ کرد. زمانی که همراه با خانواده ها و مردم شهر در خیابان راهپیمائی میکردند، لحظات بسیار باشکوهی بود. حتی اگر اینقدر نیروی سرکوب علیه شان به خیابان نمی آمد ممکن بود کارگران برای تجدید قوا چند روز بجای راهپیمائی در کارخانه تجمع میکردند که فرسوده نشوند.

الان يك نکته قوتی که برای طرح و پیش بردن خواسته هایشان دارند بنظر من تشکیل هرروزه مجمع عمومی است. در بیانیه ۶ ماده ای آبانماه سال گذشته، کارگران تاکید کرده بودند که هر پنجشنبه در ساعت مشخصی مجمع عمومی خود را تشکیل میدهند اما عملاً نتوانستند اینکار را بکنند، بنظر من الان در چنین فضای اعتراضی باید آنرا عملی کنند. الان هرروز جمع شوند و مجمع عمومی بگیرند و بعدا هم روزهای پنجشنبه ساعت معینی را به بحث حول وضعیت خود اختصاص دهند و اینرا به کارفرما تحمیل کنند. الان وقت تثبیت این

صفحه ۷

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

۸	ماهواره هات برد
۱۲۳۰۳	فرکانس
۲۷۵۰۰	سیمبل ریت
۳/۴	اف ای سی
(Vertical)	پلاریزاسیون عمودی

سایت کانال جدید:

<http://www.newchannel.tv>

kanaljadid@yahoo.com

tv.anternasional@yahoo.com

آدرس تماس:

دستاوردها و جایگاه ...

از صفحه ۶

خواست کارگران است. در مجمع عمومی هست که میشود جلوی تفرقه ها را گرفت و تلاش برای نفاق و تفرقه را در نطفه خفه کرد. بنظر من تشکیل هرروزه مجمع عمومی آنها را متحدتر و یکپارچه تر میکند و در موقعیت بسیار قوی تری قرار میدهد. يك نکته دیگر مربوط به نقش همسران کارگران و اعضای خانواده آنها است که میتوانند نقش مهمی در شهر ایفا کنند. همینطور جوانان شوش میتوانند انواع کمیته ها و جمع های همبستگی درست کنند و بقیه کارگران و مردم شهر را بسیج کنند. ببینید، همین الان لوله سازی و نیشکر خوزستان و يك کارخانه دیگر در خوزستان از این کارگران حمایت کرده اند و ده پانزده تشکل و مرکز دیگر کارگری مثل کارغذ سازی و حریر بافی که در کنار همین هفت تپه هستند و نیشکر زبلی قضائی و نیشکر امیر کبیر، نیشکر خوزستان، و کارخانه های مختلف بویژه کارگران نفت هم باید بیایند و قاطعانه حمایت کنند. کارگران تعدادی از این مراکز خودشان حقوق معوقه طلب دارند و با مشکلات مشابهی دست و پنجه نرم میکنند، خیلی خوب میشود که آنها هم بیایند و بگویند که خواست کارگران هفت تپه خواست ما هم هست و آنها هم کاملا سرسختانه و بسیار قاطع بیایند و از اینها حمایت کنند. این مبارزه همه آنها را بشدت تقویت میکند. در میان کارگران فراتر از يك کارخانه اتحاد ایجاد میکند. این مبارزه اینقدر اهمیت دارد که از سرتاسر جامعه، دانشجویان و معلمان و کارگران از آن فعالانه حمایت کنند و بگویند که اخراج نیروهای سرکوبگر و پایان دادن به احضار و بازداشت و محاکمه زندان و وثیقه گذاشتن و لغو تمامی پرونده فعالین دقیقا مسئله ما هم هست. در سطح بین المللی

هم همین الان خواست کارگران هفت تپه در تیتر اولین و مهمترین خبرهای برخی سازمانها و اتحادیه های مهم جهان است و در اینجا هم صدها سازمان و اتحادیه کارگری باید از کارگران هفت تپه حمایت کنند.

شهلا دانشفر - بعد از این اعتراض کارگران هفت تپه، که البته الان همه دارند میگویند اعتراض مردم شوش، بعد از این اعتراض بهر حال کارگران برگشته اند به داخل کارخانه، خب کلا در يك حرکت مبارزاتی باید اشکال متنوع اعتراضی را بکار گرفت بطوری که مثلا شما تجمع میکنید، میروید با مسئولین و مراکز اداری روبرو میشوید و اعتراضتان را به آنان بیان میکنید، جامعه را مطلع میکنید، راهپیمایی میکنید، اعتصاب میکنید و توی کارخانه جمع میشوید و انواع این کارها را پیش میبرید و طبعاً نمیشود که همه روزه در خیابان باشید بلکه بالاخره به کارخانه برمیگردید و نیرویتان را جمع میکنید تا بتوانید تصمیم جمعیتان را يك گام دیگر جلوتر ببرید و حتی بعضا ممکن است که در وسط این کارها يك خواست دیگری دوباره ضروری شود و بخواستههایتان اضافه شود و بخواهید که برای تحقق آنها اقدام کنید. با توجه به همه اینها میخواهم بگویم که اکنون کارگران در يك چنین وضعیتی هستند که بنظر من همه اینها را باید به مردم شوش و جوانان و کارگران گزارش دهند و با بیانیه های مشخصی به اطلاع همه برسانند و بگویند که ما کارگران ضمن قدردانی از حمایت های مردم شوش و خانواده ها و جوانان شهر و ضمن سپاس از تمامی کسانی که از ما حمایت کردند تا اینجا توانستیم بایستیم و برای تحقق مطالباتمان بجنگیم و کارهایی از پیش ببریم، و

هم اکنون نیز بیش از پیش در کنار همیم و متحد و یکپارچه برای ادامه مبارزه مان میکوشیم و امروز اینها مجموعه خواسته های ما هستند و ما مراسم دادگاه را ناتمام گذاشتیم و اجازه ندادیم که رهبران ما را دادگاهی کنند و موفق شدیم که ۲۶ نفر از همکارانی را که دستگیر و زندانی کرده بودند آزاد کنیم و امروز در چنین موقعیتی هستیم و مصممیم که دستمزدهای پرداخت نشده مان را تا آخرین تومانش پرداخت کنند و مصممیم که محاکمه رهبران و همسنگرانمان را فوراً خاتمه یافته اعلام کنند و جریان پرونده سازینها باطل اعلام شود و از بین برود. و تا وقتی که این خواسته ها متحقق نشده باشند به اعتراضاتمان ادامه خواهیم داد. به این ترتیب با گزشتن و بیانیه هایشان رو به جامعه حرف بزنند و مردم را از چند و چون کارشان باخبر کنند. زمانی که يك اعتراضی ابعاد اینچنینی پیدا میکند طبعاً رهبران کارگران باید در چنین قامت بلندی بیایند و حرف بزنند و این آن نکته ای بود که میخواستم بگویم.

اصغر کریمی - منم نکته دیگری داشتم. ببینید شهر شوش يك شهر کارگری است و کلا شهرهای کوچکی مثل شوش که شهرهای کارگری به حساب میایند و دهها هزار کارگر در آنها زندگی میکنند، جوانانشان با هزار درد و رنج و مشکل و محرومیت و بی حقوقی و بیکاری سروکار دارند. این جوانان باید بیایند و بگویند که یا کار برای ما فراهم کنید و یا بیمه بیکاری مکتفی به ما بدهید و بدین ترتیب این جوانان هم باید يك جبهه جدیدی از مبارزه و اعتصاب را باز کنند. رژیم دست به بسیج نیرو میزند، در مقابل جوانان هم باید خواست خود را در کنار خواستهای کارگران نیشکر به میدان بیاورند. بیمه بیکاری یا کار خواست همه جوانان در سراسر کشور است و مورد حمایت همه قرار میگیرد و با

اینکار جوانان شوش هم الگوی خوبی از مبارزه بدست میدهند. بنظرم این جوانان و دختران و پسران و خانواده ها انواع کمیته های همبستگی و جمعهای همبستگی میتوانند برپا کنند و ضمن حمایت از خواستهای کارگران اعتصابی، خواست های خود مثل بیمه بیکاری یا کار را هم مطرح کنند و مبارزه را ابعاد دیگری بدهند. میتوانند مردم شهر را بسیج کنند و اطلاع رسانی کنند و اخبار کارگران هفت تپه را به جاهای مختلف جامعه و جهان برسانند. آنوقت خواهیم دید که شهر شوش الگویی برای جوانان قزوین و سندیج و اراک و بقیه شهرکهای صنعتی و غیر صنعتی دیگر میشود. بنظرم همین الان يك چنین آمادگی روحی هست و مردم و کارگران توانسته اند قدرت خودشان را در این اعتصاب مهم ببینند و قدرت همبستگی و اهمیت اتحاد خودشان را تجربه کنند و این نکته همانظوری که گفتم یعنی باز کردن يك جبهه دیگر و جدید مبارزاتی است که باعث میشود که جمهوری اسلامی بگوید که من باید هرچه سریعتر فکری بکنم تا این غائله هرچه سریعتر بخوابد و گرنه اینطور که مردم و جوانان و خانواده ها بلند شده اند ممکن است فردا تمامی مردم شوش را بدنبال این خواسته ها بیدار کنند و بر کل جامعه هم تاثیر بگذارند. بنابراین بهتر است به سه چهارتا از خواسته های اصلی اینها جواب دهم تا بتوانم آرامشان کنم و به این قضیه خاتمه دهم. بنظرم این فوق العاده مهم است و من از همینجا به همه مردم شوش و جوانان

و خانواده ها فراخوان میدهم که شما میتوانید در کنار برادران و خواهران و احتمالاً پدران و مادران و دوستان کارگرتان بایستید و پرچمدار يك مبارزه جدیدی در سطح شهر باشید.

شهلا دانشفر - در ادامه صحبت شما منم نکته ای خاطر آمد که اشاره کنم که بهر حال ما تلاش میکنیم در سطحی بین المللی اخبار اعتراضات کارگران و مردم شوش را انعکاس دهیم و تا همین الان هم این اخبار نیشکر هفت تپه در صدر اخبار اتحادیه های جهانی قرار دارد و توسط حزب کمونیست کارگری و کمیته همبستگی بین المللی کارگری به تمام سازمانها و اتحادیه های جهانی خبر رسانی کرده ایم و همگی در کنار این کارگران خواهان لغو تمامی پرونده های دستگیری و لغو محاکمه رهبران این کارگران هستیم و همه این فشارها و ضرب و شتم هایی که به این کارگران وارد کرده اند محکوم میکنیم و به حمله سرکوبگرانه ای که در سطح شهر کرده اند با صدای بلند اعتراض میکنیم و این همان کاری بوده که در سرکوب اعتراضات کارگران کیان تاثیر هم انجام دادیم.

اصغر کریمی - منم امیدوارم در خارج کشور که طبعاً موانع چندانی پیش پای کسی نیست همه احزاب و سازمانها و جریانهای سیاسی مختلف بتوانند قاطعانه از مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه و مردم شوش حمایت کنند و به این صف پیوندند. اهمیت این مبارزه را دریابند و حرکتی سازمان بدهند.

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

سایت کارگران

www.kagaran.org

سایت روزنه

www.rowzane.com

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

جایگاه مبارزات سازمان یافته ...

از صفحه ۱

فیصله می‌یابد و آنها از آسیاب می‌افتد و برای دوره‌ای سرو صداهای می‌خواهد. در تقابل با چنین وضعیتی، هر رژیمی که سعی کند از بروز چنین اعتراضاتی بطور کلی جلوگیری کند، با آتش بازی می‌کند. این نه تنها در مورد ایران صادق بوده، بلکه تاریخ رژیم‌هایی که از پرداخت دستمزدهای کارگران به هر دلیلی عاجز و قاصر بوده‌اند، چنین اعتراضاتی را تحمل کرده و به آن تن داده‌اند. * پائین‌تر به این موضوع بخواهم گشت. اما ابتدا اجازه بدهید به یک نمونه خارج از مرزهای ایران اشاره کنیم.

هفت تپه، تاگلیاتی ایران

معمولا برای مقایسه اعتراضات رزمنده و موفق کارگری در کشور خاصی با جنبش کارگری روسیه، به مبارزات کارگران دهه اول و دوم قرن گذشته اشاره می‌شود نه معاصر. چرا که جنبش کارگری معاصر روسیه روزنه‌های امید چندان‌را به ما نشان نداده است. اما روسیه وسیع‌ترین کشور جهان است، با اعتصابات و اعتراضات کارگری زیادی که بخش عمده‌ای از آنها متأسفانه از چشم بسیاری از ما پوشیده می‌ماند. زمانی که هنوز کارگران ایران در یک چنین سطح گسترده‌ای با عدم پرداخت دستمزدهایشان روبرو نبودند، کارگران روسیه معاصر به دلیل بحران سیاسی و اقتصادی حاکم در روسیه با چنین مسئله‌ای دست به گریبان بودند و طبیعتا اعتراض بر علیه آن هم جزئی از آن دوره بود.

تاگلیاتی (Togliatti) شهری است در روسیه با جمعیتی حدود ۷۵۰ هزار نفر، واقع در ۸۵۰ کیلومتری جنوب شرقی مسکو. VAZ ("واز" کارخانه ماشین سازی ولگا) که بزرگترین کارخانه ماشین سازی جهان با چیزی حدود ۱۰۰ هزار کارگر، در این شهر قرار گرفته است. امروزه، حتی با اصلاحات زیادی که در این کارخانه شده است، کمابیش بیش از ۷۰ درصد از وسائل نقلیه

رسمی "واز" که کارش سازمان دادن فعالیت‌هایی چون گلدگشت و مسابقات ورزشی است و در هر کشمکش بین کارگران و مدیریت، منافع "کارخانه" را مد نظر دارد!

اولین اعتصاب سازمان داده شده توسط فعالینی که بعدها "اتحاد" را بنیان گذاشتند، چند ماه بعد از اعتصاب ۴۰۰ هزار نفره معدنکاران اوکراین در سال ۱۹۸۹ سازمان داده شد. "پرستوریکا" در کنار بسیاری از اصلاحاتی که قرار بود به جامعه شوروی معرفی کند، اصلاحاتی را به دستمزد کارگران نیز معرفی کرد که موجب نارضایتی بسیاری از آنها شد. دستمزد کارگران که با احتساب انعام و جوایز متعدد در سطح نه چندان بدی بود، با معرفی اصلاحات پرستوریکا به شدت افت کرد. اعتصابات این دوره معدنکاران Kuzbass اوکراین و همچنین اعتصاب در "واز"، اعتراضی بود به وضعیت جدید.

در "واز" در همین سال، بعد از جلسه‌ای در بین تعدادی از فعالین کارگری، بحث‌های ارائه شده و تصمیمات گرفته شده در جلسه به اطلاع مدیریت رسید. یک اعتصاب ۲ ساعته احتضاری اعلام گردید. خواست کارگران عبارت بودند از: افزایش دستمزدها بطور کلی، افزایش ۳۰ درصد دستمزد برای کارگران یکی از بخش‌ها، معرفی indexation (افزایش دستمزد به نسبت تورم) به دستمزدها و دریافتی‌های بیشتر برای کارهای شاق و طاقت فرسا. مدیریت برای شکست این اعتصاب به هر کاری دست زد، از جمله نشان دادن یک فیلم پورنوگرافیک بر صحنه بزرگی که بالای محله تجمع کارگران قرار گرفته بود! هیچکدام از تاکتیک‌های مدیریت کارساز نشد. بعد از استراحت ناهار در همین روز، بیش از ۲۰ هزار تن از کارگران تصمیم گرفتند که به اعتصاب بپیوندند. برای جلوگیری از به درازا کشیده شدن این اعتصاب، مدیریت سریعاً به تمامی مطالبات کارگران، بجز معرفی indexation تن داد. لازم به ذکر است که این حرکت کارگران توسط "شورای مجموعه کارخانه" مورد حمایت قرار

گرفت، اما اتحادیه "واز" از آن حمایت نکرد.

از این اعتصاب تا اعتصاب مهم بعدی در سال ۱۹۹۲ که توسط "اتحاد" سازماندهی شد، اتفاقات دیگری در "واز" افتاد که باعث شاخ بشاخ شدن "اتحاد" با مدیریت و نهادهای کارگری طرفدار مدیریت شد. همه این شاخ‌بشاخ شدن‌ها مربوط به دفاع از حقوق اولیه کارگران و بر سر نمایندگی کارگران بود. اما اعتصاب ماه آوریل سال ۱۹۹۲ هم صد درصد indexation را به مدیریت تحمیل کرد و هم ۴۰ درصد افزایش دستمزد را. ابتدا مدیریت با همکاری دو نهاد رسمی کارگری در "واز" و نهادهای دیگر سر به دولت و مدیریت به تاکتیک‌های مختلفی برای ارباب کارگران دست زد تا از جواب مثبت دادن کارگران به فراخوان "اتحاد" جلوگیری کند. اما در آخرین دقیق نزدیک شدن به اعتصاب و زمانی که متوجه شد کارگران زیادی تصمیم گرفته‌اند به فراخوان "اتحاد" جواب مثبت بدهند، عقب‌نشینی کرد و به تمامی مطالبات کارگران تن داد.

نکته دیگری که در این رابطه حائز اهمیت است، دست‌زدن بر سینه نهاد تازه تأسیس "شورای مجموعه کارخانه" از طرف "اتحاد" بود. شناخت این نهاد برای فعالین زیادی پس از طی تجاربی بدست آمد. بقبول اولین رئیس "اتحاد"، بخش زیادی از فعالین کارگری در "واز"، اتفاقا بجای پیوستن به "اتحاد" ابتدا جذب این نهاد تازه تأسیس گردیدند. فعالین "اتحاد" وظیفه این نهاد تازه تأسیس را چیزی شبیه به تجربه "رقابت سوسیالیستی" در شوروی می‌دانستند که کارگران را به تولید بیشتر برای رسیدن به سهمیه تعیین شده برای کارخانه ترغیب می‌کردند، بدون اینکه کارگران هیچگونه دخالتی در سرنوشت این کارخانه‌ها داشته باشند. این نهاد تازه تأسیس این تصور را در ذهن بسیاری از کارگران و بخصوص فعالین کارگری جا می‌انداخت که گویا کارگران در سرنوشت کارخانه دارای قدرت تصمیم‌گیری هستند. "اتحاد" این تصویر

کاذب را رد کرد و گفت که کارگران فقط می‌توانند در بیرون از تصمیمات مدیریت بر سرنوشت کارخانه تأثیر بگذارند! (اجازه بدهید اینجا این نکته را نیز، قبل از اینکه قند در دل کسی آب شود، اضافه کنم که قریب به اتفاق اتحادیه‌های آلترناتیو، از جمله "اتحاد" از سیاست‌های یلتسین حمایت می‌کردند. نوشتن در این باره و توضیح این تناقض به صفحات بس بیشتر از آنچه که در اختیار من قرار دارد، نیاز دارد.)

داستان "اتحاد" و "واز" را به یک دلیل خاصی اینجا نقل کرده‌ام؛ مبارزه برای پرداخت بوقع دستمزدها! گرچه اتفاقات بعدی و توطئه‌های مدیریت با همدستی نهادهای کارگری در "واز" در چند سال بعد از اعتصاب ۱۹۹۲ بسیاری از دستاوردهای کارگران را پس گرفت؛ اما یک مزیت مهمی که کارگران "واز" در مقایسه با دیگر کارگران در روسیه از آن برخوردار بودند، و آن نیز حاصل سازماندهی و تلاش‌های بی‌وقفه "اتحاد" بود، پرداخت بوقع دستمزد کارگران بود. اشاره به این مسئله از این جهت حائز اهمیت است که بدانیم در روسیه آن دوره (بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹)، ماه‌ها و سال‌ها بخش عظیمی از کارگران بدون دستمزد کار کرده و به ظلم و اجحاف مدیریت و مقامات دولتی در همدستی با اتحادیه‌های کارگری تن می‌دادند.

مسئله به تعویق افتادن دستمزدها

همچنانکه بالاتر اشاره شد، مسئله عدم پرداخت دستمزد کارگران در روسیه بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ که دوره سقوط سرمایه داری دولتی و بحران سیاسی در این کشور بود، به یک نرم تبدیل شده بود. در بسیاری از شرکت‌ها و کارخانجاتی که زمره اعتصاب بر سر پرداخت دستمزدها شنیده می‌شد، اتحادیه‌های رسمی و "شورای مجموعه کارخانه" جلوی افتادند که بحران کارخانه و عدم سوددهی را برای کارگران توضیح بدهند تا آنها را از اعتصاب و اعتراض منصرف کنند.

جایگاه مبارزات سازمان یافته ...

از صفحه ۸

کارگران مرتب با "اگر کارخانه را برای پرداخت دستمزدها زیر فشار بگذاریم، مجبور به تعطیلی می شود و کارهای مان را از دست می دهیم." مواجه می شدند. آنچه که برای کارگران جا نمی افتاد این بود که تشکل کارگری قرار بود به کارگران قدرت بدهد، نه تخم ترس و ناامیدی در دلشان بکارد! در این حول و حوش بود که "اتحاد" در پائیز سال ۱۹۹۴، زمانی که عدم پرداخت دستمزدها داشت دور بر می داشت، اعتصابی ۶ روزه را در یکی از کلیدی ترین بخش کارخانه سازمان داد.

برای اولین بار دستمزدها در ماه فوریه این سال به کارگران "واز" پرداخت نگردید. علیرغم چندین اعتراض در ساعت استراحت نهار، مدیریت هیچگونه زمانی برای پرداخت دستمزدها تعیین نکرد. روز ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۴، در مجمع عمومی کارگران شیف شب که توسط "اتحاد" سازمان داده شده بود، کارگران رأی به اعتصاب دادند. مجمع عمومی کارگران لیستی از مطالبات کارگران را به تصویب رساند که خواهان پرداخت فوری دستمزدهای به تعویق افتاده. با احتساب تورم این دوره و حداقل بهره بانکی. و همچنین پرداخت به موقع دستمزدها از این

ببعد شده بود. دو روز بعد این مطالبات به تصویب جلسه نمایندگان کارگران کل کارخانه رسید. مدیریت خواهان مذاکره، بدون توقف تولید شد که توسط نمایندگان کارگران رد شد و کارگران وارد اعتصابی ۶ روزه شدند. در مذاکره بین نمایندگان کارگران اعتصابی و مدیریت، مدیریت اعلام کرد که در قرارداد دسته جمعی با "اتحادیه ماشین سازی ولگا"، اتحادیه به بتعویق افتادن دستمزدها رضایت داده است! کارگران اما این را در مغایرت با قانون اعلام کردند و بر مطالبات خود پافشاری کردند.

مدیریت قبول کرد که دستمزدهای کارگران را طی چند قسط بپردازد. گرچه نمایندگان کارگران این پیشنهاد مدیریت را قابل قبول دانستند، اما

یکپارچه بر ادامه اعتصاب رأی دادند و خواهان پرداخت دستمزدها کارگران در طول دوره اعتصاب و همچنین خواهان ضمانت این شدند که بر علیه رهبران کارگری توطئه چینی نشود. در روز ۳ اکتبر، مدیریت چندین قسمت عمده کارخانه را تعطیل کرد و با کمک نیروهای امنیتی شروع به سرکوب کارگران کرد که در این حادثه دهها نفر از کارگران از کار خود اخراج شدند. اعتصاب در واقع در روز ۱۰ اکتبر به پایان رسید، اما حقوق ایام اعتصاب پرداخت نشد و فعالین کارگری زیادی که در سازماندهی اعتصاب داشتند، توبیخ و مجازات شدند. "اتحاد" با هزینه صندوق اعتصاب خود در دادگاه از کارگران اخراجی دفاع کرد و قادر شد تمامی کارگران اخراجی را بر سر کارهایشان بازگرداند و دستمزدهای از دست رفته شان را نیز بگیرد. جالب است که خوانندگان ما این موضوع را نیز بدانند که اتحادیه ماشین سازی ولگا صرفاً به این خاطر که وکیلش در دادگاه حضور داشت، گرچه لب از لب نگشود، این پیروزی را مدیون خود دانست! با این حال همین وکیل در مصاحبه ای با نشریه مرکزی اتحادیه گفت: "علیرغم رأی دادگاه، همه این کارگران مستحق اخراج بودند!"

از آن زمان تا سال ۱۹۹۹ که مسئله عدم پرداخت بموقع دستمزدها کارگران تقریباً حل شد، دستمزدها کارگران "واز" سر موقع پرداخت می شد. گرچه در سال های ۹۵، ۹۶ و ۹۹ نیز کارگران این کارخانه با دیرکرد در پرداخت دستمزدهایشان روبرو شدند، اما مدیریت سریعاً عکس العمل نشان داد و دستمزدها کارگران را قبل از اینکه بیش از یک ماه به عقب بیافتد، پرداخت کرد. این یک اقدام تقریباً بی مانند در روسیه آن دوران بود.

اتفاقات بعدی در سرنوشت "اتحاد" و مبارزه کارگران "واز"، به این نوشته ربط چندانی ندارند. "اتحاد" از لحاظ سیاسی مشکل جدی داشت؛ از جمله عدم استقلال در طرح بسیاری از

مطالبات کارگرانی که آنها را نمایندگی می کرد. "اتحاد" عضو کنفدراسیونی بود که به دلیل شرکت در طرح "سه جانبه گرائی" و دفاع از سیاستمدارانی که مسئولیت مستقیمی در وضعیت پیش روی داشتند، به مرور زمان جایگاه خود را در میان کارگران از دست داد. اما مبارزاتی را که سازمان داد، برگ درخشانی بتاریخ مبارزه طبقه کارگر روسیه افزود.

و هفت تپه

گرچه تولید نیشکر در هفت تپه در ایران جایگاه تولید ماشین کارخانه "واز" در روسیه را در اقتصاد این کشور بازی نمی کند، اما از لحاظ مبارزات کارگران می توان درس های اعتراضات کارگران این دو شرکت را با هم مقایسه کرد. هفت تپه تاکیلاتی ایران است از این جهت که کارگران هفت تپه همانند کارگران "واز" در تاکیلاتی اعلام کرده اند که مسئله عدم سوددهی شرکت ربطی به کارگر ندارد. که کارگری که کار کرده، دستمزدها می خواهد. که "کودک گرسنه، وعده حالی نمی شه!". کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، عدم پرداخت دستمزدها را تحمل نمی کنند. کارگران با بی اعتنائی از کنار ریش سفیدی و ارباب نهادهای دست نشانده مدیریت و دولت رد می شوند و به فراخوان فعالین کارگری معتمد خود جواب مثبت می دهند.

اما هفت تپه می تواند درس های زیادی برای کارگران دیگر کشورها، از جمله فعالین "اتحاد" در بر داشته باشد. گرچه کارگران نیشکر هفت تپه دارای تشکل به رسمیت شناخته شده خود نیستند، اما رهبران کارگری و مجامع عمومی کارگری کارگران این شرکت، تمامی کارگران را سازمان می دهد. مبارزه کارگران "واز" هیچوقت نتوانست همانند مبارزه کارگران هفت تپه توجه کارگران کل کشور مربوطه را به خود جلب کند و در میان اخبار بین المللی جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص نداد. این را باید به تفاوت شرایط سیاسی و نقش و قدرت جریان چپ و غیره

مربوط دانست که بحث مهم دیگری است که امیدوارم در شماره های دیگر کارگر کمونیست به آن بپردازیم. اینجا نمیخواهم به آن بپردازم. از این جهات مبارزه کارگران هفت تپه جایگاه ویژه ای را در جنبش کارگری دارد. کارگران هفت تپه تفاوت چندانی بین کارفرما و دولت کارفرماها نمی بینند. در حالی که "اتحاد" و مبارزاتی را که سازمان می داد، فرقی اساسی بین پلتنسین و مدیران کارخانه "واز" قائل بود!

جایگاه مبارزه کارگران هفت تپه

در استفاده از سیاست سرکوب توسط دولت ها، اعتراضاتی هستند که سرکوب آنها برای دولت مربوطه بسیار گران تمام می شود. اعتراضاتی که در چشم کل جامعه محق اند. اعتراض بر علیه عدم پرداخت دستمزدها کارگران در صدر این اعتراضات محق قرار دارند. همچنانکه در ابتدای این نوشته گفتم، اکثریت قریب به اتفاق اعتراضات کارگری در چند سال اخیر در ایران، اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها بوده است. جمهوری اسلامی که هیچگونه اعتراضی را تحمل نمی کند، در برابر اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها گرچه به لشکرکشی و سرکوب هم بدرجاتی اقدام کرده اما کلاً در مقابل آن درمانده است. اما باز همچنانکه بالاتر مورد اشاره قرار گرفت، اکثر این اعتراضات خودانگیخته و دارای سازمانیافتگی بسیار پائینی بوده اند.

همین دو نکته این اعتراضات را مقطعی و پراکنده می کنند. این اعتراضات پراکنده و غیر سازمان یافته، سوپاهانی هستند که خشم معترضین را برای دوره ای کاهش می دهد. آنچه که مبارزه کارگران هفت تپه را از دیگر اعتراضات کارگری در ایران متمایز می کند، سازمان یافتگی آن است، که خشم معترضین را وارد مرحله دیگری می کند. (این را قبلاً در مبارزه کارگران نساجی های کردستان و شاهو نیز شاهد بودیم.) اما چرا این سازمان یافتگی اهمیت دارد؟! بر خورد رژیم را قبلاً به مبارزات

سازمان یافته دیگری از جمله تلاش برای مراسم های مستقل اول ماه مه، تلاش کارگران شرکت واحد برای ایجاد سندیکای خود و غیره دیده ایم. رژیم با تمام وحشی گیری ای که شایسته یک رژیم اسلامی است، با این تلاش های کارگران برخورد کرده است. مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه با مبارزه بر سر دستمزدهای پرداخت نشده شروع شد و سریعاً شکل و شمایل دیگری بخود گرفت. این کارگران اکنون خواهان از جمله برسمیت شناخته شدن تشکل خود و لغو پرونده سازی بر علیه فعالین و رهبران کارگری هستند. در عین حالی که مبارزه بر سر دستمزدها و بموقع پرداخت آنها در مرکز ثقل مبارزه کارگران هفت تپه قرار دارد، اما همین مبارزات آگاهی طبقاتی شان را تا حدود زیادی بالا برده است. مبارزه کارگران هفت تپه جایگاه مهمی نیز در کل جنبش کارگری ایران دارد. این مبارزه راه نشان می دهد. دارد به کل جنبش کارگری می گوید که اگر می خواهید مبارزاتتان حاصلی بدهد، نمی تواند مقطعی و ناپیگیر باشد. تجربه مبارزات کارگران هفت تپه باید زیر نورافکن قرار بگیرد و همچنانکه تاکنون پوشش خبری شایسته ای گرفته است، همچنان در صدر اخبار کارگری بماند. و مهمتر اینکه مورد حمایت گسترده در ایران و در سطح بین المللی قرار گیرد که سرکوب آن برای حکومت هرچه مشکلاتر باشد و از نظر سیاسی برای حکومت گران تمام شود.

توضیح

* بر این موضوع واقفم که دستمزدها را معمولاً کارفرماها می پردازند، و اگر کارفرمائی از پرداخت دستمزدها کارگران خودداری کرد، نهادهای قضائی کشور به نفع کارگران رأی می دهند و موضوع وارد مرحله دیگری میشود. اما آنجا که دولت مربوطه پشت عدم پرداخت دستمزدهای کارگران قرار گرفت مسئله دیگری است که این مطلب چنین موضوعی را مد نظر دارد.

دو پیام از کارگران روی پیامگیر تلویزیون کانال جدید

از صنایع چوب طالقانی

الو سلام خسته نباشید

من یکی از کارگران شرکتی هستم بنام صنایع چوب طالقانی. ما حدود ۱۷ ماه است حقوق نگرفته ایم. تقریباً دوسال هم هست که با شرکت درگیر هستیم. بیپای شکایت میکنیم متاسفانه به هیچ جا نرسیدیم. با اینکه بارها به نهاد ریاست جمهوری مراجعه کردیم اما جوابی به ما نمیدهند. به بیت رهبری نامه دادیم. از همکارانمان

حتی بخاطر مشکلاتی که برایشان پیش آمده دست به خودسوزی در برابر استانداری تهران جلوی چشم آقای فیضی معاون استاندار زدند. اما اینهم تاثیری نداشت. خیلی جاها رفتیم خیلی جاها نامه دادیم. متاسفانه هیچکس پیگیری نمیکند. الان هم بلاتکلیف هستیم. میخواستیم این مسائل را از تلویزیون کانال جدید اگر لطف کنید پخش کنید. ممنون

کارگر کارخانه سیمین اصفهان

من يك کارگر سیمین اصفهان هستم. این کارخانه دولتی است. اینها چون میخواهند سرمایه دار را بگویند پنج شش ماه است حقوق ما را نداده اند. هرروز هم علافمان میکنند. استانداری میرویم يك چیزی میگویند. فرمانداری میرویم يك چیز دیگری میگویند. همیشه روی کول آنها هستند. باور کنید ما

با يك فلاکتی داریم زندگی میکنیم. الان چند وقت است که کارخانه را هم بسته اند. به هر ارگانی زنگ میزنیم. چون کارخانه سیمین زیر نظر بنیاد است. بنیاد هم زیر نظر رهبری است. بخاطر همین هیچ حرفی نمیتوانیم بزنیم. چون اگر بخواهیم حرفی بزنیم فوری میگویند این آقایان شورشی اند. همانطور که الان هشت نفر کارگر را که بلند شدند از حق ما دفاع کنند گفتند شورشی اند و ایلان و سرگردانشان کردند. الان چند وقت است کارخانه را بسته اند خداوکیلی با يك فلاکتی داریم زندگی میکنیم. خواستیم صدای ما را پخش کنید و

بگویند ما چطوری زندگی کنیم؟ این چه وضعی است؟ اینکه کارخانه زیر نظر رهبری است من چکار کنم؟ زن و بچه های مگر رهبر سرشان میشود؟ کار کرده ام. ۵ ماه کار کرده ام. يك حقوقمان را توی پنج ماه نداده اند. آخر پنج ماه بدون حقوق چه کار کنم؟ حقوق ۲۵۰ هزار تومان که به من میدهند اگر هم همه اش رو بدهند امور نمیگذرد. با این حقوق خرج زندگی را بدهم؟ خرج تحصیل بچه ها را بدهم؟ آب، برق، گاز همه چیز که امسال دوبله رفته روی هزینه اش را بدهم؟..

بیکار سازی در پالایشگاه آبادان

یکی از خوانندگان عزیز نشریه کارگر کمونیست گزارش کوتاهی از بیکار سازی ها در پالایشگاه آبادان برابمان فرستاده اند که عینا نقل میکنیم: در پالایشگاه آبادان بیکار سازی شدیدی در جریان است. از ۱۱

اردیبهشت تا ۲۹ اردیبهشت تعداد ۷۵۰ نفر از کارگران اخراج شده اند. این بیکاری سازی ها در بخش سی ویل (Civil) و پای پینگ (Pay Ping) و استاتیک و خدمات، ماشین آلات و اسکلت

فلزی صورت گرفته است. این کارگران بدون پرداخت حقوق سه ماهه آخر اخراج شده اند. آخرین حقوق دریافتی کارگران در ۲۵ دیماه ۸۶ پرداخت شده است. شرایط کار کارگران پالایشگاه بسیار نامساعد

است. وضع رستوران در این هوای گرم اصلا خوب نیست. بعلاوه کارگران مجبورند بدون کولر و بدون آب یخ، بدون سرویس بهداشتی کار کنند. سرویس رفت و آمد هم که برچیده شده است. حتی لباس کار و لوازم ایمنی برای کار وجود ندارد. ساعت کاری از ۶ صبح تا ۸ شب است.

در مورد بیکار سازیها باید بگویم که هیچ دلیلی برای بیکار سازی ارائه نشده است. بعلاوه ۲۰۰ کارگر دیگر هم در این چند روز اخراج شده اند و بعد از این اخراج ها حدود سی-چهل نفر از کارگران دست به اعتراض زدند که به وسیله پلیس و حراست دستگیر و پراکنده شدند.

نامه ای از یکی از خوانندگان کارگر کمونیست

نمایندگان مجلس یا خیانتکاران به ملت

زديك به سه دهه است که يك حکومت استبدادی و ضد مردمی بر ملت ایران سایه افکنده است. و در طول این سه دهه نمایندگان زیادی به عنوان به اصطلاح خدمت به مردم وارد مجلس شده اند و با فریب کاری و خود شیرینی فقط و فقط در صدد بدست آوردن دل رهبر و به فکر ثروت اندوزی خود بوده اند. و به همین هم اکتفا نکرده و بارها و بارها به ملت خیانت هم کرده اند و قوانین ضد مردمی را تصویب کرده اند که تنها باعث بقای بیشتر این حکومت و استبداد شده است. آیا این نمایندگان مجلس در محل زندگی خودشان با اقشار کارگر در تماس نبوده اند؟ آیا از زبان يك کارگر نشنیده اند که چنان زندگی بر

کارگران تنگ شده و غم و غصه آینده خود و فرزندان شان فکر آنها را مشغول کرده که حتی يك خواب راحت هم از کارگران سلب شده. (کارگری برایم تعریف می کرد و می گفت من شبها حتی دو ساعت هم خواب ندارم و همه اش به فکر آینده بچه هام هستم همه بچه هایم بیکارند برای دخترها هم پول ندارم جهیزیه تهیه کنم و صدها مشکل دیگر) آیا این نمایندگان در این جامعه زندگی نمی کنند که گرانی و تورم کمر شکن را لمس کرده باشند؟ آیا به عنوان يك نماینده مجلس که خودشان را هم خیلی با سواد فکر می کنند. حتی بعنوان تحقیق هم که شده رفته اند جلو در يك دادگستری يك ساعت بنشینند و ببینند که در طول يك ساعت صدها نفر وارد دادگستری می شوند

و صدها نفر خارج می شوند. و کمی به فکر فرو روند و از خود بپرسند مگر در جامعه چه بلائی بر سر قوانین مدنی و حقوقی آمده که این چنین جامعه آشفته و ملتهب است. نمایندگان مجلس کمی بیشتر تاریخ مطالعه کنند تا بدانند که هیچ حکومت ظالمی پایدار نبوده و دیر یا زود این بساط ظلم برچیده خواهد شد و خیانتکاران به ملت سرنوشتشان همانند هم قطاران خود در طول تاریخ را خواهند داشت. نمایندگان مجلس بدانند که خیانت آنها به ملت و بخصوص به اقشار زحمتکش فراموش شدنی نیست و حافظه تاریخی ملت از حافظه نمایندگان مجلس قوی تر است. و مطمئن باشند که اگر روزی من هم زنده نبودم تا به عنوان يك

کارگر که قوانین تصویب شده همین نمایندگان باعث بدبختی و فقر بیش از حد من شده از آنها باز خواست کنم. فرزندان خود را چنان تربیت

کرده ام و آگاهشان کرده ام که از خیانت شما نمایندگان نخواهند گذشت و شما را به جرم خیانت به ملت و به جرم فریب کاری مواخذه

کارگر کمونیست را بخوانید و بدست

دوستان آشنایان را برسانید

با کارگر کمونیست همکاری کنید

از تجربیات خود در اعتراضات کارگری

برایمان بنویسید و برای کارگر کمونیست

اخبار و گزارش بفرستید.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

یادداشت سردیبر ...

از صفحه ۱

محیط کار برایشان مطلقاً مطرح نیست. این جانوران سرمایه دار و دولتشان قاتل کارگران هستند. خانواده های کارگران جانباخته این ها را مستول از دست رفتن عزیزانشان میدانند. کل کارگران این ها را مسئول میدانند. و اینها هستند که باید جوابگوی این فاجعه باشند. و این يك شعار نیست. با جان باختن هر کارگری با معلول شدن هر نان آور خانواده ای روشن است که نه فقط غمی همیشگی و عمیق بر قلب بازماندگان و عزیزانش می نشیند بلکه زندگی آنها با مشقت و فقر و بی تامینی غیر قابل توصیفی همراه میشود. مسبب و عامل این فجایع برای همه کارگران شناخته شده است و قطعاً اینها باید در برابر کارگران و مردم حساب پس بدهند. اینها یعنی امام جمعه و فرماندار و مقامات حکومت کثیف اسلامی آمده اند و در شهر شازند اعلام عزای عمومی کرده اند. حرف کارگران اینست که گورتان را کم کنید ما خودمان میدانیم با غم از دست دادن عزیزانمان چه کنیم. حرف کارگران اینست که اولاً مسببین این فاجعه فوراً باید معرفی شوند و به خانواده ها و بازماندگان جانباختگان غرامت پرداخت شود و زندگی آنها با استانداردی قابل قبول و انسانی تامین شود. کارگران عزای عمومی اینها را نمیخواهند. خانواده ها نمیخواهند پای روضه خوانی این جانوران کثیف بنشینند. پاسخ

میخواهند. کارگران روضه خوانی نمیخواهند میخواهند این حق را داشته باشند که نمایندگانشان محیط های کار را از نظر ایمنی کنترل و بازبینی کنند تا هر روز دهها نفر از کارگران قربانی نشوند. همین را هم با صدای رسا اعلام میکنند. جان باختن و معلول شدن و از کارافتادگی کارگران در محیطهای کار هر روز دارد از کارگران قربانیان بسیاری میگیرد و این يك نمونه از صدها نمونه است. قاتلین کارگران اما دارند در حمایت مزدوران منفور کثیف حکومت اسلامی به یکه تازی و سوداندوزی خویش و مکیدن خون کارگران ادامه میدهند. این را کارگران می بینند و با گوشت و پوست خویش لمس میکنند و به انقلابی برای زیر و رو کردن کل این بساط چپاول سرمایه داران می اندیشند. کارگران میدانند که راه مقابله با این فجایع چیزی جز به زیر کشیدن این حکومت و کل نظام بردگی مزدگی نیست.

يك بار دیگر به بازماندگان کارگران جان باخته شازند تسلیت میگویم.

در حاشیه اعلامیه ای از "کمیته پیگیری ..."

اعلامیه ای از سوی "کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری" در حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه این هفته منتشر شده بود که از دو نظر توجه مرا به خود جلب کرد. یکی

جنبه مثبت مساله یعنی حمایت از مبارزه کارگران هفت تپه است که باید آنرا ارج گذاشت و همه کارگران را فراخوان داد که از مبارزه هم طبقه های خویش فعالانه دفاع کنند. این سنتی است که باید هرچه گسترده تر و فعالانه تر به جریان بیفتد. کارگران به این پیوند و این حمایت متقابل شدیداً نیازمندند.

اما نکته مهم دیگری که باعث توجه به این اعلامیه میشود چاشنی ناسیونالیستی ای تند است که در این اعلامیه توی ذوق میزند. از همان اول اینطور میخوانیم "کارگران، زحمتکشان، ملت غیور ایران" تاکید از من) سرمایه داری ایران در راستای اجرای سیاست های سرمایه جهانی و به دنبال استراتژی جهانی سازی و استثمار هر چه بیشتر طبقه کارگر، در کنار خصوصی سازی و تسهیل صدور سرمایه و ارز و دیگر سیاست های نولیبرالی، مرزهای گمرکی را گمرنگ نموده و واردات بسیاری از اقلام مصرفی را آزاد نموده است. نتیجه ی چنین اقدامی تعطیلی گسترده ی بسیاری از خطوط تولیدات داخلی و در نتیجه بیکاری و اخراج جمعی کارگران این صنایع و رشد فقر و گرسنگی و سیر نزولی دستمزدها بوده است...

آیا نویسندگان این اعلامیه از روی سهو و عادت مرسوم در جامعه ای مثل ایران خطاب به "ملت غیور ایران" اعلامیه میدهند؟ آیا از خود سوال کرده اند که وقتی میگویند "ملت غیور" دارند کنار تبلیغات مسممز کننده ناسیونالیستهای

سلطنت طلب در مدح "غیرت ملی" و "غیرت ناموسی" و "غیرت دینی" ایرانیان قرار میگیرند؟ چرا باید در يك اعلامیه کارگری خطاب به "ملت غیور" حرف زد و نه خطاب به کارگران و مردم ایران؟ پشت این کلمه ظاهراً ساده جنگها و خونها و تفرقه های بسیاری نهفته است. پشت این عبارت ظاهراً ساده تحقیر پناهندگان و مردم منتسب به اقلیتهای دیگر و حتی کارگران کشورهای دیگر نهفته است که فعال رادیکال کارگری باید مردم و کارگران را نسبت به آنها آگاه کند نه اینکه خود بدام آن بیفتد.

در ادامه همان مقدمه اعلامیه کمیته پیگیری هم ما شاهد نوعی پروتکشنیسم و ناسیونالیسم رایج هستیم که دوستان "کمیته پیگیری" بدام آن افتاده اند و اعتراض میکنند که چرا مرزهای گمرکی کمرنگ شده و "واردات بسیاری از اقلام مصرفی آزاد شده است".

دوستان عزیز! باور کنید این راه حل مساله گرانی و نپرداختن دستمزد و اخراج های فوج فوج کارگران نیست. میشود صدها نمونه زنده را جلوی چشم گذاشت. ما در اول قرن بیست و یکم زندگی میکنیم. در شرایط کنونی جهانی حتی جمهوری اسلامی ای که در سطح جهان منزوی است نمیتواند مرزهایش را ببندد. حتی آمریکا هم نمیتواند مرزهای ایران یا هر جای دیگر دنیا را برود و خروج کالاها ببندد. و علاوه چرا باید کارگر در وسط مبارزه خویش از سرمایه ملی و داخلی در برابر سرمایه و کالای خارجی دفاع کند؟

این توهم است که فکر کنیم با بستن مرزها کار کارگر ایرانی پررونق میشود. این دعوایی میان بخشهای مختلف سرمایه داران است. چرا کارگر باید خواهان بسته شدن مرزها شود؟ کارگر باید حقش را بخواهد. این امروز دیگر الفباست که سرمایه دار چه داخلی چه خارجی میخواهد رقم کارگر را بکشد. مهم نیست که کالا از کجا می آید و سرمایه از کجا می آید. مهم اینست که کارگر محکم بایستد و از دستمزدش، بیمه های اجتماعی، و شرایط بهتر کار و سطح زندگی دفاع کند. باید شما کارتان این باشد که توده کارگران را متوجه کنید که مشکل و بحران اقتصادی در ایران از باز بودن مرزها ناشی نمیشود. و علاوه و مهتر اینکه حتی اگر سرمایه پررونق باشد و کارخانه سود آوری عظیمی هم داشته باشد، بهیچ وجه مانعی برای اخراج کارگر، یا کشیدن رقم کارگر توسط کارفرمایان نیست. بلکه توازن قوا میان کارگر و سرمایه دار و دولت سرمایه است که تعیین میکنند چه سهمی به کارگران برسد. رفتن در زمین "واردات بی رویه کالاها" و امثال اینها در واقع قبول فریبکاری سرمایه داران است که میگویند همه چیز تقصیر خارجی هاست و از سوی دیگر با تفرقه افکنی میان کارگران کشورهای مختلف دارند پروار میشوند. در این زمینه میشود بسیار بیشتر صحبت کرد. امیدوارم با همین اشاره کوتاه توانسته باشم ایراد اعلامیه دوستانمان در کمیته پیگیری را نشان داده باشم.

نامه جمع هایی از کارگران در مجتمع های پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی در حمایت از دستگیر شدگان اول مه، کارگران نیشکر هفت تپه

نمایندگان دولت ایران از سازمان جهانی کار باید اخراج شوند

میخواهیم که نمایندگان دولت ایران را از ان سازمان اخراج کنند. اینها نمایندگان کارگران ایران نیستند. اینها نمایندگان دولتی هستند که خواستهای کارگران را با زندان و سرکوب جواب میدهد.

زنده باد همبستگی بین المللی جهان زنده باد مبارزات حق طلبانه کارگران در ایران

۳/۳/۸۷

بنابراین ما ضمن محکوم کردن این سیاستهای دولت، از همه کارگران در ایران و همچنین سازمانها و احزاب کارگری در سراسر ایران میخواهیم که:

۱- دولت ایران را بدلائل بالا محکوم کرده و خواهان آزادی کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی شویم.

۲- از سازمان جهانی کار (ILO)

کارگری، از جمله شیث امانی، جوانمیر مرادی و طاها آزادی به جرم شرکت در مراسم های روز جهانی کارگر، زندانی شده اند.

۳- جرکت کارگران در مراکز مختلف برای رسیدن به ابتدائی ترین خواست یعنی دستمزد و امنیت شغلی، مانند نیشکر هفت تپه و کارخانه کیان تایر با تعرض پلیس و نیروی انتظامی مواجه میشود.

در رابطه با محکومیت دولت ایران و خطاب به سازمان جهانی کار (ILO) اعلام میداریم:

از آنجا که،

۱- امروز جامعه ایران شاهد سرکوب حرکتهای کارگری از سوی دولت جمهوری ایران است.

۲- فعالین کارگری تحت فشار سیاسی شدید قرار داشته و رهبران

به: کمیته بین المللی همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران به: سازمانها و احزاب کارگری جهان از: جمعی از کارگران شاغل در مجتمع های پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر

با سلامهای گرم

ما جمعی از کارگران ایران شاغل در مجتمع های بالا، قطعنامه زیر را



متحدانه وادار به تن دادن به این خواستها کرد.

گرامی باد یاد کارگران جانباخته کارخانه های مواد شیمیائی کیمیاگران امروز و کیمیاگستر

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۵ خرداد ۱۳۸۷، ۲۵ مه ۲۰۰۸

جمهوری اسلامی و کارفرمایان این کارخانه ها را مسئول این فاجعه بزرگ انسانی میدانند و آنها را شدیداً محکوم میکنند. جمهوری اسلامی باید کارگران مصدوم را با بالاترین امکانات موجود پزشکی مداوا کند و به خانواده کارگران جانباخته و کارگران مصدومی که توانائی کار کردن را از دست داده اند، حقوق بازنشستگی کامل پرداخت کند. اینها حقوق اولیه کارگران است و جمهوری اسلامی را باید با اعتراض

کارگران را می دهد ما اخراج این کارگران تحت هر عنوانی محکوم کرده و خواهان بر چیدن بساط شرکتهای پیمانکاری و لغو قراردادها موقت و باز گشت به کار همکاران به سر کار می باشیم

جمعی از کارگران ایران خودرو اول خرداد ۱۳۸۷

ikcokar@yahoo.com

حوزه‌ی مسایل کارگری و حقوق بشری می خواهم که به حقوق کارگران و حق کارایشان به مشابه حقوق بشر نگاه کنند و جهت بازگشت به کار این کارگران همه تلاششان را به کار ببندند. شایان ذکر است کارگران به دنبال پیگیری مصوبه هیات دولت در خصوص واگذاری نیروهای پیمانکاری به دستگاههای مشمول اصل ۱۶۰ برنامه چهارم توسعه اخراج شدند.

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

دهها کارگر در شعله های آتش جان باختند و یا شدیداً مجروح شدند

حقی را از کارگران سلب کرده است. کارگران سودجویی و بی مسئولیتی کارفرمایان و ناامنی های محیط کار را میشناسند و بارها و بارها در مورد ناامنی محیط کارشان به کارفرماها و اداره های کار هشدار میدهند و دست به اعتراض و اعتصاب میزنند اما حکومت سراپا نکبت اسلامی، اعتراض و اعتصاب کارگر به این شرایط را ممنوع اعلام کرده است و پاسخ کارگر را با شلاق و زندان میدهد. جمهوری اسلامی مستقیماً شریک جرم کارفرمایان این دو کارخانه و کلیه حوادث محیط کار در همه مراکز کارگری است. حزب کمونیست کارگری

جانباخته توسط کارگران و مردم شازند و سیل پیام های همبستگی با خانواده ها و همکاران قربانیان این فاجعه از سراسر کشور میتوان غم جانکاه از دست دادن این عزیزان را کاهش داد. اگر تنها بخش کوچکی از حاصل دسترنج کارگران صرف ایمنی محیط کار میشد، این اتفاق و هزاران اتفاق مشابه در سایر مراکز کارگری نمی افتاد. اگر کارگر حق داشت که هیئت های بازرسی خود را برای رسیدگی به امنیت محیط کار سازمان دهد، این کارخانه ها و کارخانه های دیگر قتلگاه کارگران نمیشدند. اما حکومت اسلامی هر

طبق خبری که سایت دولتی "خبرگزاری فارس" منتشر کرد، دو کارخانه مواد شیمیائی کیمیاگران امروز و کیمیاگستر، واقع در شهرک صنعتی یازنه از توابع شهرستان شازند، امروز ۵ خردادماه آتش گرفتند و ۱۵ نفر از کارگران کشته و ۳۰ تا ۴۰ نفر از آنان مجروح شدند که حال آنها وخیم گزارش شده است. حزب کمونیست کارگری با خانواده ها و بازماندگان واقعه دلخراش و هولناک آتش سوزی این دو کارخانه عمیقاً احساس همدردی می کند و صمیمانه به آنها تسلیت میگوید. تنها با برگزاری هرچه باشکوه تر مراسم بزرگداشت کارگران

اعتراض شدید کارگران ایران خودرو به اخراج دهها نفر از همکاران خود

کارگران اخراجی به همراه خانواده هایشان بی هیچ حق و حقوقی از کار اخراج و از ابتدایی ترین امکان تامین زندگی خود محروم شده اند و از طرفی طبق خبرهای رسیده حدود ۱۰۰ نفر نیز از کارگران شرکت پارس ایران خودرو به دنبال کاهش تولید و کم کردن یک شیفت از کار

اخراج کارگران ایساکو

بنا به گزارش دیگر در اول خرداد ماه، در روزهای آخر اردیبهشت نیز ۵۰ نفر از کارگران قراردادی شرکت ایساکو ایران خودرو، طی دو مرحله علیرغم اعتراض و شکایت این کارگران به مراجع حکومتی از جمله اداره کار و بیمه، اخراج شده اند. این

اخراج کارگران ایران خودرو

روز یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه کارفرمای ایران خودرو ۳۰۰ کارگر این کارخانه را اخراج کرد. کارفرمای ایران خودرو دلیل اخراج کارگران را " مدرن سازی" کارخانه و استفاده از ماشین آلات جدید به جای کارگران اعلام کرده است.

توزیع برق خوزستان خواهان بازگشت به کار خود هستند

بنا به گزارشی از فعالین حقوق بشر بیش از یک سال از اخراج حدود ۳۰ نفر از کارگران ایستگاههای انتقال و فوق توزیع برق خوزستان که در تاریخ ۱/۱/۸۶ با دخالت حراست اخراج شدند می گذرد. این در حالی است که همگی آنان از سوی هیات های تشخیص و حل اختلاف اداره کار خوزستان بازگشت به کار خود را دریافت داشته اند اما برق منطقه ای خوزستان همچنان از ورود برخی از این کارگران به محل ایستگاهها خودداری می نماید.

اخبار اعتراضات کارگری... از صفحه ۱۶

وسائل ایمنی مناسب در آن دچار بیماریهایی از قبیل دیسک کمر، افت شنوایی، آرتروز، سائیدگی زانو، مشکلات ریوی و... شده اند. بنا به گزارش کارفرمای این کارخانه در تداوم این اخراج سازیها، طی ده روز گذشته حدود ۸ نفر دیگر از کارگران این کارخانه را نیز اخراج و قرارداد شان تمدید نشد. آقای اردشیر رضایی یکی از نمایندگان کارگران این کارخانه نیز جزو این کارگران است.

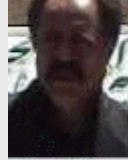
کارگران اخراجی

ایستگاههای انتقال و فوق

در برابر خلف وعده این کارفرما که در حضور نماینده وزیر صنایع و نماینده اداره کار و مسئولین شهر ساوه وعده بازگشت بکار کارگران و توقف اخراج سازی ها را داده بود عکس العملی را از خود نشان نداده است. در این بین اداره کار شهرستان ساوه نیز همدوش با کارفرما عدم تمدید قرارداد داد کارگران این کارخانه را که هر کدام از آنان از دو تا ۱۵ سال سابقه کار دارند تائید کرده و رای به اخراج این کارگران داده است. اغلب این کارگران بدلیل شرایط سخت کاری در این کارخانه و نبود

زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران!

یک پیروزی دیگر برای کارگران و مردم سندج شیت امانی یکی از رهبران کارگری این شهر آزاد شد



شیت امانی

کارگران بوسیله شهرودی در سفرش به سندج لغو گردید. همه مردم سندج این واقعت را تجربه کردند که احکام کارگران بازداشتی اول مه پارسال هنگامی لغو اعلام شده که مقامات جمهوری اسلامی متوجه اعتراض وسیع و نفرت عمیق مردم از رژیم شدند.

شیت امانی یکی از کارگران بازداشتی اول مه پارسال بود که به دنبال تصمیم دادگاه تجدید نظر حکم ۶ ماه زندان گرفته بود. حکمش ۳۳ روز قبل به اجرا گذاشته شد و این مدت در زندان مرکزی سندج بسر برد. اما به دنبال تلاش موفقیت آمیز کارگران و مردم سندج احکام زندان و شلاق کارگران لغو و شیت امانی هم آزاد شد. ما این موفقیت را به همه

بر اساس خبری که اتحادیه آزاد کارگران در سایت خود منتشر کرده است شیت امانی یکی از رهبران کارگری سندج امروز ۲۵ مه ۲۰۰۸ ساعت ۱۴ به وقت محلی از زندان آزاد شد. این کارگر زندانی هنگامیکه از زندان بیرون آمد مورد استقبال گرم همکاران و دوستانش در اتحادیه قرار گرفت. آزادی شیت امانی و لغو احکام زندان و شلاق و جریمه کارگران در نتیجه فعالیتی بود که فعالین کارگری و مردم آزادیخواه سندج در یک سال اخیر بدون وقفه انجام دادند. هنگامیکه این فعالیتها و تلاش فعالین و تشکلهای کارگری ابعاد بین المللی پیدا کرد رژیم اسلامی ناچار به عقب نشینی شد. به دنبال این تلاشها بود که احکام

در حاشیه اطلاعیه پایانی اولین گردهمایی نهادهای همبستگی با کارگران ایران

اطلاعیه پایانی اولین گردهمایی نهادهای همبستگی با کارگران ایران در خارج و جای خالی حمایت از دستگیر شدگان اول ماه مه امسال طی اطلاعیه ای چهارده انجمن، کمیته همبستگی با کارگران ایران در خارج از کشور بر لزوم همبستگی بین کارگران و فعالین کشورهای مختلف تاکید داشتند. "در جمعی دوستانه و مملو از تفاهم" یکبار دیگر بر تقویت همبستگی بین المللی کارگران جهان با مبارزه طبقه کارگر در ایران و جلب پشتیبانی اتحادیه های کارگری و سازمانهای بزرگ کارگری اهتمام ورزیدند.

هر خواننده ای از متن اطلاعیه بسیار خوشحال و انبساط خاطر پیدا میکند که یکبار دیگر فعالین کارگری سعی کرده اند در مقطعی همراه و به کمک طبقه کارگر ایران بشتابند، اما از طرفی دیگر آنچه که انسان را شوکه میکند جای خالی حمایت از کارگران دستگیر شده اول مه امسال است. من

کارگران و مردم آزادیخواه و همچنین اتحادیه آزاد کارگران تبریک میگوییم. ما همچنین آزادی شیت امانی را به همه دوستان و اعضا خانواده اش تبریک میگوییم. آزادی این فعال خوشنام کارگران سندج را باید جشن گرفت و با دسته های گل از او استقبال کرد.

کمیته کردستان حزب همه کارگران و مردم آزادیخواه را فرامیخواند که برای آزادی جوانمیر مرادی، طه آزادی و منصور اسانلو از فعالین کارگری که هنوز در زندان هستند و همه زندانیان سیاسی اعتراضات خود را گسترش دهند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- 25 مه ۲۰۰۸

این کارگران برگزیده اند؟ آیا مساله همبستگی با کارگران دستگیر شده اول مه امسال، ربطی به موضوع گردهمایی این دوستان و انترناسیونالیسم آنها نداشته است؟ من بر این باورم که روزهای بحرانی و آینده ساز جنبش کارگری سکوت این دوستان را نخواهد بخشید. دوستان عزیز! امروز دستگیر

شدگان اول مه شیت امانی، جوانمیر مرادی، و طه آزادی نیازمند حمایت گسترده تمام فعالین و کارگران پیشرو هستند. آنها و خانواده هایشان شدیداً تحت فشار و شکنجه های روحی روانی قرار گرفته اند. هرگونه عقب نشینی و کوتاهی در حمایت از این کارگران عواقب وخیمی برای جنبش کارگری و نیز خود این کارگران و ما فعالین کارگری خواهد داشت.

با آرزوی بیشترین اتحاد و همبستگی کارگری. شاد باشید رضا رشیدی فعال کارگری ۲۸ مه ۲۰۰۸

بی اطلاعی از سر نوشت جوانمیر مرادی و طاها آزادی



جوانمیر مرادی طه آزادی

بوشهر همچنان از دادن خبر محل بازداشت و نگهداری جوانمیر مرادی و طاها آزادی به خانواده های آنان خودداری میکنند و تاکنون تلاشهای این خانواده ها برای کسب اطلاع از محل بازداشت و نگهداری عزیزانشان هیچ نتیجه ای را در بر نداشته و آخرین باری هم که فوزیه خالصی به همراه عده ای دیگر به اداره اطلاعات کرمانشاه مراجعه کرده بودند مامورین اداره اطلاعات در صدد بازداشت فوزیه خالصی برآمده بودند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

اطلاعیه کمیته دفاع از دستگیر شدگان اول مه ۸۷

میخواهد که با تمام قوا و نیرو در مقابل این تعرض ایستادگی نمایند. امروز در شهرهای هامبورگ، و کلن در آلمان و گوتنبرگ و استکهلم در سوئد تظاهراتی در حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و پشتیبانی از کارگران دستگیر شده برگزار شد. ضمن ارج نهادن به این حرکت اعتراضی ما خواهان گسترش کمپین ها و فشار بر جمهوری اسلامی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه کارگران زندانی جوانمیر مرادی، طه آزادی، شیت امانی، منصور اسانلو و همه زندانیان سیاسی هستیم. همچنین ما خواهان فشار برای لغو پرونده های تشکیل شده برای کارگران نیشکر هفت تپه و خاتمه دادن به احضار و تهدید فعالین کارگری می باشیم. ما تلاش میکنیم که مرتباً اخبار مربوط به کارگران زندانی را در سطح جامعه و بین المللی انعکاس دهیم. در پیشبرد هر چه قدرتمند تر این کمپین اعتراضی با ما همراه شوید.

کمیته دفاع از دستگیر شدگان اول مه ۸۷
۳۱ اردیبهشت ۸۷

جوانمیر مرادی و طه آزادی از برگزارکنندگان مراسم اول مه امسال، امروز بیستمین روز زندان خود را میگذرانند. مقامات انتظامی از پاسخگویی صریح به خانواده های این کارگران سرباز میزنند. و حتی محل نگهداری آنان را تا این تاریخ اعلام نکرده اند. جوانمیر مرادی از ناراحتی مغز و اعصاب رنج میبرد و مقامات زندان همچنان از گرفتن داروهای نامبرده امتناع میکنند. این کارگران تحت فشارهای جسمی و روحی شدیدی قرار دارند. و خانواده هایشان نیز در شرایط بد مالی قرار گرفته اند. همچنین امروز دادگاه فعالین و رهبران کارگران نیشکر هفت تپه برگزار گردید. علیرغم تجمع و بستن جاده اهواز- شوش توسط کارگران و مردم هنوز مقامات دولتی و دادگاه اصرار بر اثبات جرم این کارگران دارند. و میخواهند با محکوم کردن این کارگران درس عبرتی به سایرین بدهند که دست از اعتراض بردارند.

کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده اول مه از تمام فعالین کارگری کمیته ها و انجمن ها و احزاب

<http://komitemay87.blogspot.com/>

کارگران زندانی جوانمیر مرادی، طه آزادی، منصور اسانلو، مجید نصیری و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند

اتحادیه پست کانادا خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار شد، از کارگران هفت تپه و کیان نایر حمایت کرد و خواهان آزادی کلیه کارگران زندانی شد

جمهوری اسلامی را برای عضویت در سازمان جهانی کار حائز صلاحیت نمی داند. بنابراین خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار می باشد.

اتحادیه کارگران پست کانادا بدینوسیله همبستگی خود با کارگران و مردم ایران برای رفاه، آزادی و برابری را اعلام می کند. اتحادیه کارگران پست کانادا همچنین کلیه سازمان های کارگری جهان را فرا می خواند تا همواره از مبارزات و مطالبات کارگران در ایران دفاع کرده و رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نمایند. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۰ مه ۲۰۰۸

دستگیر شده فوری و بدون قید و شرط باید آزاد شوند. حقوق های پرداخت نشده بدون هیچ گونه تاخیر بیشتر باید پرداخت شوند.

۲- اتحادیه کارگران پست کانادا شلاق زدن کارگران باختر برگزاری جشن اول ماه مه را یک جرم محسوب می کند و قویا این خشونت خونین و ضد انسانی را محکوم می نماید.

۳- اتحادیه کارگران پست کانادا خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط منصور اسانلو می باشد و همینطور خواهان لغو تمام اتهامات و وثیقه ها علیه رهبران کارگران نیشکر هفت تپه و دیگر واحد های تولیدی می باشد. اتحادیه کارگران پست کانادا

تایر که در اطراف تهران واقع شده، را شکست و از در و دیوار وارد کارخانه شده تا صد ها نفر از کارگران اعتصابی که حقوق ۵ تا ۸ ماه عقب افتاده خود را طلب می کردند، را بزور از آنجا متفرق کنند. کارگران را دستگیر کردند و کتک زدند به حدی که تعدادی از آنان نیازمند مداوا در بیمارستان بودند. همینطور ۶ نفر از کارگران آتش نشانی که از رها کردن آب جوش به کارگران تظاهر کننده خودداری کردند، دستگیر شدند.

۱- اتحادیه کارگران پست کانادا جمهوری اسلامی ایران را بخاطر حملات وحشیانه به کارگران کیان تایر تهران محکوم می کند. کارگران

همچنین جمهوری اسلامی بخاطر حملات وحشیانه به کارگران کیان تایر (لاستیک البرز) و شلاق زدن کارگران به جرم شرکت در مراسم اول مه بعنوان یک رفتار ضد انسانی محکوم شده و خواسته شده که حقوقهای معوقه کارگران فوراً پرداخت شود، و همه کارگران زندانی فوراً آزاد شوند و کلیه اتهامات و وثیقه ها علیه کارگران نیشکر هفت تپه و دیگر فعالین کارگری لغو گردد.

متن قطعنامه به شرح زیر است:

پلیس ضد شورش حوالی ساعت ۷:۳۰ غروب روز شنبه ۱۲ آوریل دروازه کارخانه لاستیک سازی کیان

در کنگره اتحادیه کارگری پست کانادا که در ماه آوریل با حضور ۷۰۰ نفر از نمایندگان شعبه های مختلف این اتحادیه برگزار شد، هیئتی از حزب کمونیست کارگری ایران، داود آرام و سیاوش آذری بعنوان میهمان شرکت کردند و پیام حزب را به کنگره ارائه دادند که در آنجا قرائت شد. هیئت حزب همچنین قطعنامه ای در دفاع از کارگران ایران و علیه سرکوبگریهای جمهوری اسلامی بصورت اضطراری به این کنگره ارائه داد که به تصویب کنگره رسید. در این قطعنامه اعلام شده است که جمهوری اسلامی صلاحیت شرکت در سازمان جهانی کار را ندارد و باید اخراج شود.

هیئت ایرانی از اجلاس سالانه "ای ال او" باید اخراج شود

هیچگونه امنیت شغلی نداشته و دسته اخراج و بیکار میشوند. در حالی که کارگران را تنها به علت فعالیت های صنفی بازداشت و زندانی مینمایند. در حالی که کارگران رهبران کارگری را تنها به علت برگزاری مراسم های اول ماه مه دستگیر و زندانی میکنند. در شرایطی که منصور اسانلو رییس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد و شیث امانی رییس هیئت مدیره

حقوق کارگران زیر پا گذاشته میشود. در شرایطی که ما کارگران از حق داشتن هر گونه تشکل مستقل کارگری، اعتصاب و اعتراض کارگری محروم هستیم. در حالی که هر گونه فعالیت صنفی و مطالبات کارگری با سرکوب و زندان پاسخ می گیرد و کارگران از ابتدایی ترین حقوق شناخته شده ی خود محروم هستند. در شرایطی که دستمزد صدها هزار کارگر ماهها به تعویق می افتد و کارگران

خطاب به: سازمان جهانی کار ILO، نهادها و سازمانهای بین المللی کارگری در آستانه برگزاری اجلاس سالانه سازمان جهانی کار ILO هستیم. قرار است بار دیگر هیئتی از طرف جمهوری اسلامی ایران در این اجلاس شرکت نماید. ما کارگران ایران پیشاپیش اعلام میداریم هیئت مزبور هیچگونه ربطی به طبقه کارگر ایران ندارد. در شرایطی که پایه ای ترین

خود از مزدوران رژیم اسلامی و کارفرمایان میباشند را بعنوان هیئت ایرانی شرکت کننده در اجلاس سالانه ILO قویا محکوم نموده و خواهان اخراج هیئت مزبور از سازمان جهانی کار ILO میباشیم. ما بعنوان جمعی از کارگران شرق تهران از تمامی نهادها و سازمانهای بین المللی کارگری میخواهیم که ما کارگران ایران را در راستای بدست آوردن حقوق حقه خویش یاری نمایند.

زند باد اتحاد و همبستگی کارگری از طرف: جمعی از کارگران شرق تهران

اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار به صرف فعالیت صنفی و برگزاری مراسم اول ماه مه هنوز در زندان بسر می برند. در حالی که جوانمیر مرادی و طاها آزادی و دهها تن دیگر تنها به خاطر اقدام به برگزاری اول ماه مه دستگیر، بازداشت و زندانی میگردند، در چنین شرایطی حضور هیئت ایرانی در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار ILO هیچگونه مشروعیت و وجهه قانونی ندارد و از نظر ما محکوم است.

ما کارگران ایران حضور نمایندگان خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که

حمایت جهانی از کارگران دستگیر شده اول مه

در ۷ مه طی نامه "کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی.تی.بی.سی)، به نمایندگی از طرف ۳۱۱ سازمان عضو وابسته، با عضویت در مجموع ۱۶۸ میلیون کارگر از ۱۵۶ کشور و منطقه، بر علیه سرکوب تظاهراتهای مسالمت آمیز اول ماه مه در ایران و دستگیری بسیاری از فعالین اتحادیه های کارگری، قویاً اعتراض خود را اعلام داشت"

در نامه ای در ۸ مه پیتر مککلند رییس استانی اتحادیه نیو سات ولس به نمایندگی از جانب ۲۸۰۰۰ عضو اتحادیه ساختمان، جنگل، معدن و انرژی با ارسال نامه ای به خامنه ای، محمود احمدی نژاد، محمود هاشمی و سفیر ایران در استرالیا، نسبت به رفتار جمهوری اسلامی ایران با برگزارکنندگان اول مه و دستگیری کارگران، اعتراض کرد.

در ۱۱ مه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی.تی.بی.سی) طی نامه ای اعتراضی به نمایندگی از طرف ۳۱۱ سازمان عضو وابسته، با عضویت در مجموع ۱۶۸ میلیون کارگر از ۱۵۶ کشور و منطقه، بر علیه سرکوب تظاهراتهای مسالمت آمیز اول ماه مه در ایران و دستگیری بسیاری از فعالین اتحادیه های کارگری، قویاً اعتراض می کند.

فراخوان به شرکت در تظاهرات

در همبستگی با مبارزات کارگران در ایران در تظاهرات ۶ ژوئن (۱۷ خرداد) در مقابل مقر سازمان جهانی کار (آی ال او) در ژنو شرکت کنید!

زمان: جمعه ۶ ژوئن (۱۷ خرداد) از ساعت ۱۳ تا ۱۵:۳۰

محل: ژنو مقابل سازمان جهانی کار (آی ال او)

جمهوری اسلامی ایران باید از آی ال او اخراج گردد! تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ مه ۲۰۰۷ - ۲۹ اردیبهشت ۸۷
تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار "آی ال او" اخراج گردد!

بدنبال اعتصاب در کارخانه لوله سلفچگان، مجید نصیری دستگیر و دو نفر اخراج شدند دستگیر شدگان اول مه سنندج به دادگاه احضار میشوند

بنا به خبری که روز اول خردادماه در سایت "اتحاد"، سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران" درج شده است، نیروهای امنیتی در هماهنگی با کارفرمای کارخانه لوله سلفچگان، مجید نصیری، یکی از کارگران این کارخانه را بازداشت کردند. متن این خبر چنین است: "بدنبال اعتصاب دو ساعته کارگران کارخانه لوله سلفچگان که با موفقیت کارگران به پایان رسید، تا کنون دو تن از کارگران این کارخانه به نامهای سلام شیخی عضو هیئت مدیره و جمال میرانی عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران از کار خود اخراج شده و امروز نیروهای امنیتی در هماهنگی با کارفرما، مجید نصیری یکی از کارگران این کارخانه و عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران را بازداشت و با خود به نقطه نامعلومی منتقل

کمیته دفاع از دستگیر شدگان اول مه تشکیل شد

امسال بنا بر سنت هرسال و علیرغم فشارهای که جمهوری اسلامی در تقابل با برپایی اول مه مستقل کارگران وارد کرده، کارگران در ایران به استقبال اول مه رفتند. اعلام کردند که برپایی اول مه را حق مسلم خود میدانند. در سنندج مراسم اول مه را برپا داشتند و در چند شهر به تدارک برپایی اول مه رفتند. اما از قبل از این روز جمهوری اسلامی شیث امانی از بنیانگذاران اتحادیه آزاد کارگران ایران و از رهبران سرشناس کارگری در شهر سنندج را دستگیر کرد و در اول مه ۱۳ نفر را در شهرهای سنندج و اشنویه و عسلویه دستگیر نمود. خوشبختانه ۱۱ نفر از این دستگیر شدگان زیر فشار فضای اعتراضی در میان کارگران از زندان آزاد شدند، اما هنوز دو نفر از رهبران شناخته شده کارگری جوانمیر مرادی از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و طه آزادی عضو علی البدل این سازمان هنوز در زندانند و شیث امانی نیز همچنان در بازداشت بسر میبرد. در زندان نگاهداشتن این کارگران در حالیکه هنوز منصور اسانلو نیز در

محکوم کرده و خواهان آزادی مجید نصیری و کلیه کارگران زندانی و پایان دادن به احضار و دستگیری فعالین کارگری شوند. شرکت در اعتصاب و سازماندهی و رهبری اعتراض و اعتصاب حق انکارناپذیر کارگران است و کارگران با چنگ و دندان از آن دفاع میکنند و آنرا تحمیل میکنند. اعتراضات و اعتصابات گسترده تر در راه است. فعالین کارگری بیشتری باید به میدان بیایند و توده کارگران و مردم آزادیخواه و سازمانهای کارگری در سطح جهانی باید با قاطعیت بیشتری از آنها دفاع کنند. مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه در این زمینه درسهای مهمی را مقابل کل طبقه کارگر و مردم گذاشته است. حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ مه ۲۰۰۸، ۱ خرداد ۱۳۸۷

دستور دارد:

۱- برپایی مراسم اول مه حق مسلم کارگران است. دستگیری کارگران به جرم برپایی اول مه محکوم است
۲- دستگیر شدگان اول مه شیث امانی، جوانمیر مرادی و طه آزادی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند
۳- منع تهدید و فشار بر روی کارگران و باطل شدن تمامی پرونده هایی که برای فعالین و رهبران کارگری تشکیل شده است. از جمله متوقف کردن احضار کارگران نیشکر هفت تپه آقایان جلیل احمدی، فریدون نیکوفرد، احمد نجاتی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر به دادگاه و باطل شدن پرونده های تشکیل شده برای آنان.

رضا رشیدی

محمد نعمتی

شکوه محمدی

حسن گلزاری

محمد کوهسار

علی گلزاری

عباس مویدی

محسن عابدینی

۳۰ اردیبهشت ۸۷- ۱۹ مه ۲۰۰۸

تلفن: ۰۷۸۴۶۴۰۴۸۲۰

کارگران لوله سازی اهواز و ایران خودرو نیز با کارگران نیشکر اعلام همبستگی کردند

کارگران لوله سازی اهواز و جمعی از کارگران ایران خودرو طی بیانیه های جداگانه ای برخورد سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و پاسخ ندادن به کارگران نیشکر هفت تپه را شدیداً محکوم کردند و با کارگران نیشکر اعلام همبستگی کردند. قبلاً نیز اتحادیه آزاد کارگران ایران و مراکز کارگری زیر طی بیانیه ای از کارگران هفت تپه حمایت کرده بودند:

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران کارخانه شاهو و جمعهایی از کارگران: کارخانه نساجی کردستان، پالایشگاه گاز فازهای ۹ و ۱۰ عسلویه، کارخانه نیرو رخش، کارخانه پریس، پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه، آجر پزی سنندج، کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و کارگران شهر صنعتی قم.

این حمایت ها هرچه بیشتر باید گسترش یابد و به یک حرکت سراسری تبدیل شود. فردا قرار است حکومت اسلامی، یعنی عاملین فقر و فلاکت مردم، عاملین بیکاری و محرومیت اکثریت عظیم مردم، عاملین این وضعیت نکبت باری که به سر اکثریت مردم آورده اند کارگرانی را که به جرم اعتراض به این وضعیت دست به اعتصاب و اعتراض زده اند را به میز محاکمه بکشانشانند. باید با سازماندهی یک حرکت وسیع و سراسری در سراسر کشور اعلام کنیم که دست حکومت و وزارت اطلاعاتش، دست دادگاه و ارگانهای حراست و سرکوش از سر کارگران و مردم کوتاه. اعلام کنیم که اگر کسی باید محاکمه شود این سران رژیم جنایتکار اسلامی هستند که حتی نان خالی را از سفره کارگران دزدیده اند و مردم را به گرسنگی کشانده اند. سران حکومت اند که رهبر و سازمانده استعمار و فساد و دزدی و چپاول کارگران و مردم محروم و زحمتکش اند و باید به پای میز محاکمه کشیده شوند. این سران حکومت اند که تنها پاسخشان به

خواست بحق مردم باتوم و شلاق و زندان و دادگاه است. مبارزه شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه، سران حکومت را به محصه کشانده است. ممکن است فردا ۳۱ اردیبهشت بخوانند با اعلام اینکه رئیس دادگاه حضور نداشت محاکمه را به تعویق بیندازند و در شرایط دیگری برگزار کنند و یا دست به هر توطئه و فریب و نیرنگ دیگری بزنند. نباید گذاشت از این محصه بیرون بروند. باید بر خواست صریح لغو همه پرونده ها و پایان دادن به اذیت و آزار و تهدید و دستگیری رهبران کارگران نیشکر هفت تپه و سایر مردم حق طلب پایان داده شود. این خواست همه مردم در سراسر کشور است و حول آن و همراه با کارگران نیشکر هفت تپه باید به یک حرکت سراسری تبدیل شود و بر پرچم همه کارگران و مردم معترض و حق طلب نقش بندد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ مه ۲۰۰۸، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۷

در ۲۵ اردیبهشت اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران کارخانه شاهو، و جمعهایی از کارگران: کارخانه نساجی کردستان، پالایشگاه گاز فازهای ۹ و ۱۰ عسلویه، کارخانه نیرو رخش، کارخانه پریس، پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه، آجر پزی سنندج، کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کارگران شهر صنعتی قم در حمایت از کارگران دستگیر شده اول مه و خواست آزادی فوری آنان و در پشتیبانی از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و ختم محاکمه قضایی رهبران اعتراضات آنان بیانیه مشترک دادند.

اخبار اعتراضات کارگری در ایران

تنظیم: محمد شکوهی

۲۵ کارگر در اراک قربانی شدند

روز یکشنبه ۵ خرداد در یک حادثه تاسف بار آتش سوزی و انفجار در دو کارخانه مواد شیمیایی کیمیاگران و کیمیاگستر، واقع در شهرک صنعتی بازنه از توابع شهرستان شازند اراک ۲۵ کارگر جان باخته و بیش از ۵۰ نفر مجروح شدند که بنا به گزارشها حال شماری از آنها وخیم است. نبود وسایل و امکانات ایمنی کار و بی توجهی کارفرمایان و دولت به این امر باعث و علت اصلی این حادثه حانگداز شد. نشریه کارگر کمونیست ضمن تسلیت به خانواده ها و بازماندگان این حادثه دلخراش جمهوری اسلامی و کارفرمایان را مسئول کشتار کارگران می داند. جمهوری اسلامی و کارفرمایان مسئول مستقیم کشتار کارگران در اراک و سایر کارخانجات و واحد های تولید می باشند. لازم به توضیح است بر اساس آمار و ارقام ارائه شده توسط وزارت کار رژیم از سال ۱۳۸۶ تا اردیبهشت ۱۳۸۷ بیش از ۳۰۰ کارگر به دلیل نبود وسایل و امکانات ایمنی کار و سهل انگاری دولت و کارفرمایان جان خود را از دست داده اند.

اعتصاب در کوره پزخانه های قرچک ادامه دارد

اعتصاب صدها کارگر در بیش از ۳۰ کوره پزخانه قرچک که از اواخر اردیبهشت ماه آغاز شده است، وارد پانزدهمین روز خود شده است. کارگران به یائین بودن دستمزدها معترض بوده و خواهان افزایش دستمزدهایشان می باشند. اداره کار و کارفرمایان تا رسیدن این خبر روز چهارشنبه ۸ خرداد فقط با افزایش ۱۲ هزار تومان برای دستمزد کارگران موافقت کرده است. کارگران کار را تعطیل کرده و در

محل کوره پزخانه ها به اعتصاب خود ادامه می دهند.

تجمع کارگران صنایع اراک

روز دوشنبه ۶ خرداد نزدیک به ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت صنایع اراک در اعتراض به نبود امنیت شغلی و خطر تعطیلی این واحد تولید در مقابل اداره کار اراک تجمع اعتراضی بر پا داشتند. کارگران می گویند که زمزمه های انتقال این کارخانه به بخش خصوصی نگرانی کارگران را مبنی بر از دست دادن امنیت شغلی افزایش داده است.

روز ۱۷ خرداد ۱۸۰ کارگر "صنایع اراک" برای پیگیری خواستههایشان با راهپیمایی در مسیر ۱۳ کیلومتری کارخانه تا اداره کل کار اراک، در مقابل اداره کار اجتماع کردند و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. کارگران اعلام داشتند که در صورت عدم رسیدگی به خواستههایشان، طی روزهای آینده به تهران خواهند آمد.

تعطیلی کارخانه روغن

نباتی گلنار کرمان

از اوایل خرداد امسال کارخانه روغن نباتی گلنار کرمان تعطیل شده و بیش از ۳۰۰ کارگر بیکار شده اند. کارگران هر روزه در محوطه کارخانه گرد آمده و خواهان پاسخگویی کارفرما می باشند.

یک پیروزی برای کارگران "بندر امام"

بیش از ۱۳۰۰ کارگر تخلیه و بارگیری بندر امام که مدت ها خواهان برخورداری از غذای گرم و سایر امکانات برای استراحت در فواصل کار بودند، در اثر ایستادگی و پافشاری بر این خواستههای خود کارفرما را وادار به عقب نشینی کردند. کارگران موفق شدند به خواستههای خود، دو وعده غذای گرم و محل استراحت مناسب دست

یابند.

لاستیک سازی البرز

کارگران لاستیک سازی البرز که در ماههای گذشته برای رسیدن به مطالبات معوقه خود بارها اعتصابات و مبارزات پر شوری را سازمان داده و موفق شده بودند قول پرداخت حقوق های معوقه و سایر مطالباتشان را از کارفرما دریافت دارند، بعد از گذشت بیش از یک ماه متوجه شدند که کارفرما کارگران را سر دوانده و با اعلام اینکه کارخانه با "کمبود نقدینگی" مواجه می باشد، از پرداخت مطالبات کارگران سر باز می زند. در همین رابطه کارگران دوباره روز چهارشنبه اول خرداد برای نقد کردن مطالبات خود دست به اعتصاب می زنند. کارفرما که قبلا ابعاد و دامنه اعتراضات کارگران را در دور قبلی دیده بود، عقب نشینی کرده و اعلام کرد که مطالبات کارگران را می پردازد. کارفرما پرداخت مطالبات کارگران را آغاز کرده است. لازم به توضیح است که اعتراضات کارگران لاستیک البرز برای نقد کردن دستمزدهای معوقه از اواخر زمستان سال ۱۳۸۶ شروع شده و در ادامه در فروردین ماه سال ۸۷ کارگران اقدام به راهپیمایی در خارج کارخانه و بستن جاده کردند که نیروی انتظامی به کارگران حمله نمود. ولی کارگران دست از مبارزه نکشیده و اعلام کردند که تا رسیدن به خواستههایشان به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. پافشاری و اعتصاب و مبارزه کارگران نهایتا منجر به پیروزی کارگران بعد از یک مبارزه طولانی شد.

تجمع اعتراضی کارگران ایران برک رشت در تهران

روز سه شنبه ۲۴ اردیبهشت تعداد ۱۲۰ نفر از کارگران نساجی ایران برک رشت در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و سایر مزایا به تهران آمده و در برابر محل کار سهامدار

این کارخانه تجمع کردند. بدنبال این اعتراض کارگران کارفرمای ایران برک روز شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۱ کارگر این کارخانه را بدلیل شرکت در تجمع اعتراضی هفته قبل در تهران اخراج نموده است. در همین رابطه و در اعتراض به این اخراج ها، کارگران صبح روز یکشنبه ۲۹ اردیبهشت از حاضر شدن بر سر کار خودداری کرده و خواهان بازگشت به کار همکاران اخراجی خود شدند. در همین حال کارفرما کارگران را تهدید کرده است که کارگران نباید با اعتراضات خود "خوراک رسانه های بیگانه" شوند. کارگران موفق شدند فقط حقوق یک ماهه شان را دریافت نمایند. کارگران خواهان پرداخت همه حقوق های معوقه و بازگشت به کار همکاران اخراجی شان می باشند.

اخراج کارگران ایران خودرو

روز یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه کارفرمای ایران خودرو ۳۰۰ کارگر این کارخانه را اخراج کرد. کارفرمای ایران خودرو دلیل اخراج کارگران را "مدن سازی" کارخانه و استفاده از ماشین آلات جدید به جای کارگران اعلام کرده است.

دستمزد کارگران کارخانه قند نیشابور پرداخت نشده است

کارگران کارخانه قند نیشابور مدت چندین ماه است که دستمزدهایشان را دریافت نکرده اند. کارگران می گویند که کارفرما مدت ۳ ماه است که از پرداخت حقوق کارگران روزمزد و دو ماه است که حقوق کارگران رسمی این کارخانه را پرداخت نکرده است. کارگران خواهان پرداخت حقوق های معوقه شان هستند.

کارخانه لوله و پوش سلفچگان

بیش از ۳۰۰ کارگر کارخانه لوله سازی و پوش سلفچگان در اعتراض به کیفیت نا مطلوب غذا

روز سه شنبه ۲۴ اردیبهشت دست به اعتصاب زدند. کارگران بارها خواهان بهبود کیفیت غذا شده بودند. در همین رابطه و به دنبال اعتراض کارگران کارفرما یکی از کارگران را اخراج می کند. بدنبال این اقدام، کارگران روز سه شنبه ۲۴ اردیبهشت برای مدت ۲ ساعت دست به اعتصاب زدند. به دنبال این حرکت اعتراضی کارگران، کارفرما وعده بهبود کیفیت غذا را به کارگران داد.

کارخانه چرم و گونی بافی برازجان

کارفرمای این کارخانه بدون هیچ توضیحی از روز ۳۰ اردیبهشت ماه اقدام به تعطیلی کارخانه کرده است. از تعداد ۴۰۰ کارگر این کارخانه ۳۰۰ نفر اخراج شده و بقیه کارگران بلا تکلیف می باشند. فضای اعتراضی در میان کارگران بالاست.

اخراج کارگران لامپ فارس

کارفرمای کارخانه لامپ فارس تعداد ۳۴ کارگر این کارخانه را در تاریخ ۲۹ اردیبهشت اخراج کرد. کارفرما در توضیح این اقدام ضد کاری خود اعلام کرده است که این امر با توافق اداره کار صورت گرفته است. کارگران برای پیگیری امر اخراجشان به اداره کار مراجعه کرده و در انتظار تشکیل جلسه هیات حل اختلاف می باشند.

تداوم اخراج کارگران کارخانه نورد و پروفیل ساوه

بدنبال اعتصاب کارگران کارخانه نورد و پروفیل ساوه در اسفند ماه سال گذشته، کارفرمای این کارخانه بر خلاف وعده ای که در آن موقع و بدنبال اعتصاب کارگران، مبنی بر بازگشت به کار کارگران اخراجی و توقف اخراج سازهها داده بود، پس از پایان اعتصاب کارگرانی را که در اعتصاب نقشی داشته اند پس از پایان قرارداد، تمدید قرار داد نمیکند و تا کنون هم هیچ مرجعی صفحه ۱۲

پیش بسوی تشکیل شوراها!

زنده باد شورا!

برگزاری تظاهرات پشتیبانی در آلمان ، سوئد و کانادا در حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه!

روز سه شنبه ۳۱ اردیبهشت ماه همزمان با روز محاکمه ۵ تن از فعالین و رهبران اعتصابات کارگری در نیشکر هفت تپه، در سه شهر استکهلم، گوتنبرگ و هامبورگ میتینگ های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی و در حمایت از مبارزه کارگران و با خواست آزادی کارگران زندانی برپا شد- در اینجا گزارشات مربوط به این حرکات اعتراضی را ملاحظه می کنید:

هامبورگ- به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران يك اجتماع اعتراضی در حمایت از مبارزات با شکوه کارگران هفت تپه و همچنین آزادی کارگران زندانی اول مه در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در هامبورگ برگزار شد. اجتماع کنندگان با دادن شعارهای زندانی سیاسی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد، کارگر مبارز حمایت میکنیم، آزادی برابری حکومت کارگری و مرگ بر جمهوری

اسلامی با مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام همبستگی کردند- این اجتماع اعتراضی يك ساعت به طول انجامید و با سخنرانی کوتاهی از طرف نازنین برومند و شعارهای پی در پی شرکت کنندگان در این اجتماع به پایان رسید.

استکهلم- در مرکز شهر استکهلم در حمایت از مبارزات با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه تظاهرات ایستاده ای به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد- مردم آزادی خواه و حق طلب با در دست داشتن عکس هایی از مبارزات کارگران ایران و شعارهایی به زبان سوئدی و انگلیسی از جمله: "دستگیری فعالین کارگری در ایران را متوقف کنید"، "جمهوری اسلامی را از سازمان جهانی کار اخراج کنید" و "مرگ بر جمهوری اسلامی ایران" توجه بسیاری از مردم شهر را به خود جلب کردند.

در طول برگزاری آکسیون ممد امیری و افسانه وحدت از فعالین حزب کمونیست کارگری برای مردم در مورد مبارزات کارگران ایران و محاکمه و دستگیری فعالین کارگری و به خصوص پنج نفر از فعالین کارگری نیشکر هفت تپه که به دادگاه اسلامی احضار شده بودن افشاری کردند و مردم را تشویق به امضا کردن نامه محکومیت جمهوری اسلامی کردند. ده ها نسخه از اطلاعیه ای که بطور کوتاه مبارزات کارگران ایران را توضیح می داد در میان مردم پخش شد.

گوتنبرگ- روز سه شنبه ۳۱ اردیبهشت به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در گوتنبرگ يك تجمع اعتراضی در اعتراض به محاکمه رهبران کارگری در ایران برگزار گردید. معترضین با در دست گرفتن عکسهایی از کارگران دستگیر شده و بلند کردن تعدادی بانرول و

پلاکارد و با سردادن شعارهایی از قبیل کارگران زندانی آزاد باید گردند، جمهوری اسلامی نابود باید گردد، توجه مردم را به بی حقوقی کارگران و مبارزات آنها در ایران جلب کردند.

در طول مدت این تظاهرات اطلاعیه ها و گزارشات دریافتی از مبارزات کارگران هفت تپه به زبانهای سوئدی و انگلیسی در میان عابرین توزیع گردید. در مجموع با پخش موزیک و توزیع اطلاعیه ها صحبت کردن از طریق رادیوهای محلی، گزارش اعتراض و مبارزه کارگران وسیعا در سطح شهر انعکاس یافت.

همچنین روز جمعه ۲۳ ماه مه، به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا، برای همبستگی و حمایت از مبارزات کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و محکوم کردن سرکوب و زندانی کردن کارگران این شرکت، آکسیون در شلوغترین میدان شهر تورنتو برگزار



گوتنبرگ سوئد



هامبورگ آلمان



تورنتو کانادا



استکهلم سوئد



استکهلم سوئد



استکهلم سوئد

عکس هایی از تظاهرات در آلمان ، سوئد و کانادا در حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

یک پیروزی مهم برای کارگران و مردم سندج

اعتراض شدید مردم سندج و خانواده های زندانیان به شاهرودی
احکام شلاق و زندان کارگران بازداشتی اول مه پارسال سندج لغو شد

دو روز گذشته روزهای پر هیجانی برای مردم سندج بود. شاهرودی رئیس قوه قضائیه رژیم اسلامی مورد اعتراض شدید مردم و کارگران این شهر قرار گرفت. مردم سندج در مسجد جامع این شهر با در دست داشتن عکس زندانیان سیاسی در اعتراض به احکام ضد انسانی دادگاه های جمهوری اسلامی، چندین بار سخنرانی شاهرودی را قطع و مسجد جامع را به میدانی برای افشای سیاستهای رژیم اسلامی تبدیل کردند. مردم خواهان آزادی زندانیان سیاسی و فعالین کارگری شدند.

به دنبال این اعتراض شدید مردم سندج، صدیق کریمی یکی از رهبران اتحادیه آزاد کارگران ایران با شاهرودی دیدار و خواهان لغو احکام صادره علیه کارگران بازداشتی اول مه

پارسال شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران در مورد این دیدار چنین گزارش داده است: "با پیگیریهای اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در سندج و تلاش دو روزه آنان، امروز صدیق کریمی به نمایندگی از طرف تمامی کارگران بازداشت شده در اول ماه مه سال گذشته، موفق به دیدار با آیت الله شاهرودی شد. در این دیدار پس از صحبتهای صدیق کریمی، معاون آیت الله شاهرودی نامه ای را جهت بررسی مجدد پرونده به دادگاه تجدید نظر استان کردستان نوشت که صدیق کریمی آنرا قبول نکرد و مجددا شروع به صحبت نمود که پس از پایان صحبتهاش، آیت الله شاهرودی بطور مکتوب دستور لغو احکام تمامی کارگران بازداشت شده در اول ماه مه سندج را صادر کرد."

لازم به یادآوری است که در جریان اعتراض مردم سندج و خانواده های زندانیان، نیروهای انتظامی و نیروهای حفاظت از شاهرودی در مقابل نفرت و اعتراض مدام مردم دست و پای خود را گم کرده و دچار سراسیمه شده بودند. چندین بار سخنرانی شاهرودی با صدای اعتراض مردم قطع و خانواده ها با در دست داشتن عکس زندانیان خواهان آزادی آنها شدند. "البرز" یکی از سایتهای وابسته به رژیم اسلامی در این مورد چنین نوشته است:

"تعدادی از خانواده محکومین که گفته میشود برخی از اعضای خانواده آنها بدلیل فعالیت براندازانه علیه نظام در زندان بسر میبرند سعی فراوانی برای برهم زدن جلسه مینمودند که بخاطر حفظ نظم عمومی جلسه

بهاکماری نیروی انتظامی به بیرون هدایت شدند. *تعدادی از شرکت کنندگان در مراسم سخنرانی رییس قوه قضائیه در مسجد جامع سندج هرازگاهی با هیاهو و داد و فریاد سعی در قطع سخنرانی آیت الله هاشمی شاهرودی داشتند. برخی از ناراضیان حاضر در مسجد عملاً با ایجاد سروصدا سعی داشتند مأمورین حفاظت آیت الله شاهرودی را باواکنش مواجه ساخته و عملاً درگیر نمایندند. تعدادی از این ناراضیان در چند گوشه مسجد هرازگاهی با ایجاد سروصدا سعی میکردند به کانون توجه حاضرین و مقامات قوه قضائیه در جلسه تبدیل شوند

حضور مردم و نامه های آنان به رییس قوه قضائیه به حدی بود که از همان بدو ورود وی به سندج خیل عظیمی از نامه ها بوسیله ی محافظان و همراهان آیت الله هاشمی شاهرودی جمع آوری شد."

همین گزارش سایت حکومتی نشان میدهد که اعتراضات مردم

سندج در چه ابعادی و تا چه حد مقامات رژیم اسلامی مورد نفرت مردم هستند. جمهوری اسلامی و سران جانی این رژیم باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. این جانبان را باید به زیر کشید و عزیزان در بند را از چنگ آنها آزاد کرد.

کمیته کردستان حزب این اقدام جسورانه و این درایت و همبستگی مردم سندج را ارج مینهد. لغو احکام کارگران بازداشتی اول مه پارسال را به همه مردم و کارگران و بویژه به فعالین کارگری سندج تبریک میگوید. این پیروزی باید سر آغاز تعرض مردم و کارگران به رژیم اسلامی برای آزادی همه زندانیان سیاسی از جمله کارگران بازداشتی اول مه امسال جوانمیر مرادی و طه آزادی باشد. یک بار دیگر ما این پیروزی را به همه کارگران و مردم سندج تبریک میگوییم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲ خرداد ۱۳۸۷ - ۲۲ مه ۲۰۰۸



تا مجبور کردن دولت به عقب نشینی به اعتراضاتشان ادامه دهند.

است تا فرانسه نیز با بقیه کشورهای عضو اتحادیه اروپا همسان شود. اتحادیه های کارگران مصمم هستند

اعتصاب بیش از ۷۰۰ هزار کارگر در فرانسه

داوود رفاهی

بدنبال تصمیم دولت فرانسه مبنی بر افزایش تعداد سنوات کار از ۴۰ سال به ۴۱ سال برای برخوردارانی از حق کامل بازنشستگی، بدعت ۵ اتحادیه بزرگ در فرانسه بیش از ۷۰۰ هزار کارگر روز پنج شنبه ۲۲ ماه مه دست از کار کشیدند و در خیابانها به راهپیمایی پرداختند. این

مدیره اتحادیه بزرگ CGT (ت) در مصاحبه ای با Sunday Times گفته است: "ما در روزهای آتی تدارک اعتراضات دیگری را می بینیم. خشم مردم واقعی است و ما آن را سازمان میدهمیم." دولت فرانسه میگوید بدلیل بالا رفتن طول عمر مردم در فرانسه و بدلیل بهتر بودن وضعیت بازنشستگی نسبت به سایر کشورهای اروپایی، این کار ضروری

اعتصاب که دامنه آن به بیش از ۱۳۰ شهر کشیده شد باعث از کار افتادن خدمات اتوبوس، مترو و قطار شد. ادارات پست نیمه تعطیل شدند و رادیوهای دولتی بجای پخش برنامه معمولی به پخش موزیک پرداختند. یک نظرخواهی نشان می دهد که ۶۰ درصد مردم از این اعتصاب حمایت می کنند. Bernard Thibault رئیس هیئت

نامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به نخست وزیر و دادستانی ترکیه در باره محاکمه کارگران سندیکایی در این کشور

کارگری در کشور خود پایان دهید.

با احترام
اتحادیه آزاد کارگران ایران
k.ekhragi@gmail.com

فاکس: ۰۲۱۴۴۵۱۴۷۹۵

رونوشت به: کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ترکیه - سندیکای کارگران حمل و ترکیه TÜMTIS
و سندیکای INGG آلمان

در ترکیه را محکوم نموده و توجه شما را به قوانین بین المللی برسمیت شناخته شده در رابطه با حقوق پایه ای کارگران و حقوق مسلم و غیر قابل انکار آنان برای مبارزه جهت دستیابی به یک زندگی انسانی جلب میکنیم و مصرانه از شما میخواهیم تا فوراً و بدون قید و شرط محاکمه فعالین سندیکای کارگران حمل و نقل ترکیه را متوقف و به تعقیب قضایی و آزار و اذیت تمامی فعالین تشکلهای

کننده مراسم، مورد هجوم پلیس واقع شده اند.

ما کارگران عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن اعلام همبستگی با سندیکای کارگران حمل و نقل ترکیه و تمامی تشکلهای کارگری در کشور متبوع شما، محاکمه فعالین سندیکای کارگران حمل و نقل ترکیه در روز ۶ جون و تهاجم به مراسم اول ماه مه و همچنین بازداشت و زندانی کردن فعالین سایر تشکلهای کارگری

اتحادیه آزاد کارگران ایران مطلع شده است فعالین سندیکای کارگران حمل و نقل ترکیه TÜMTIS قرار است روز ۶ جون ۲۰۰۸ به جرم ایجاد تشکل کارگری و اخلال در محیط کار و نا آرامی مورد محاکمه قرار بگیرند. همچنین مطلع شدیم که علاوه بر این، فعالین سایر تشکلهای کارگری در کشور شما از طریق بازداشت و زندانی شدن مورد آزار و اذیت قرار می گیرند و در اول ماه مه امسال کارگران برگزار

از: اتحادیه آزد کارگران ایران - ۳۰ می ۲۰۰۸

به: جناب رجب طیب اردوغان نخست وزیر جمهوری ترکیه

فاکس: ۰۹۰۰۳۱۲۰۰۹۱۷۴۱۷۰۴۷۶

دادستانی کل ترکیه

فاکس: ۰۹۰۰۳۱۲۰۰۳۱۲۷۱۴۷۱۱۳

موضوع: محاکمه فعالین سندیکای TÜMTIS در آنکارا

گزارشی از ادامه مبارزه ...

از صفحه

مسلم ماست، پرونده سازی علیه کارگران را متوقف کنید، مدعی عدالت خجالت خجالت، حقوق ماهیانه حق مسلم ماست، کارگرمی میرد ذلت نمی پذیرد، زبیداری استعفا استعفا. نیروهای سرکوب رژیم در محل مستقر بودند. لباس شخصی های مزدور حکومت نیز همه جا پراکنده بودند. کارگران با شعار دادن بر خواسته های خود پافشاری کردند. لازم به توضیح است که روز گذشته نیز در ابتدا دو هزار نفر از کارگران راهپیمایی را شروع کردند اما جوانان و مردم آزادیخواه شوش به آنها پیوستند و صف کارگران به ۶۰۰۰ نفر رسید.

روز چهارشنبه ۱ خرداد شهر شوش حالت حکومت نظامی بخود گرفته و نیروهای گارد ویژه که از شهرهای خرم آباد، دزفول و اهواز به این شهر آمده، در ورودی ها و مناطق مرکزی شهر از جمله فرمانداری و بازار مستقر شده بودند و در سطح شهر به گشت زنی مشغول بودند.

رژیم دستور سرکوب کارگران را صادر کرده و بنا به گزارشات ۲۶ نفر از کارگران در این روز از جمله علی شهبازی و مهران اکبری و همچنین رحیم بساق و کورش بهمنی از بخش تراشکاری نیشکر، دستگیر شدند. این دستگیر شدگان در شب همان روز و صبح روز بعد از زندان آزاد شدند. طی مدت بازداشت کارگران دستگیر شده مورد بد رفتاری و اهانت مامورین وزارت و وزارت اطلاعات قرار داشتند. از جمله نجاتی یکی از رهبران کارگران نیشکر هفت تپه مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود.

روز ۱ خرداد بدلیل حضور گسترده گارد ویژه کارگران تجمعی برپا نکردند، اما تجمعات پراکنده ای در سطح شهر توسط مردم و جوانان صورت گرفت و اینجا و آنجا لاستیک آتش زده شد. در این روز فضای شهر شوش متشنج بود.

معیشت زندگی حق مسلم ماست، نیروی انتظامی خجالت خجالت، حقوق ماهیانه حق مسلم ماست. در این روز معاون مدیر کل کار استان خوزستان، کارگران نیشکر را تهدید کرده بود که شما اخلاکگر هستید و برای نظام مشکلات امنیتی ایجاد کرده اید و دستگاه های اطلاعاتی حق دارند با شما برخورد کنند. دستگاه های اطلاعاتی نیز به فرمان مقامات به اجتماع کارگران حمله کردند و گفته میشود که ۱۲ نفر از کارگران را دستگیر کردند.

روز ۷ خرداد اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه ادامه داشت. از آغاز صبح این روز کارگران مثل روزهای قبل در مقابل دفتر مدیریت جمع شدند و شعار دادند و بر خواسته های خود تاکید کردند. مدتی از شعار دادن کارگران گذشته بود که از بلندگوی کارخانه اطلاع داده شد که یعقوب شفیعی مدیر عامل شرکت در تهران است و با تلفن اعلام کرده است که تا عصر این روز دستمزد کارگران پرداخت خواهد شد. کارگران که در این مدت وعده و وعید زیاد شنیده اند، به این خبر باور نداشته و بر شعارهای خود شدت دادند و شعار میدادند تا حقوقمان را نگیریم از پا نمی نشینیم. وعده تو خالی نمی خواهیم. شفیعی استعفا استعفا. اتحاد زبیداری استعفا استعفا. اتحاد کارگران چشمگیر بود. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که تا بخواسته هایشان نرسند به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

هم اکنون دور سوم اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در جریان است و کارگران همچنان بر روی خواسته هایشان مصر هستند. کارگران نیشکر هفت تپه، در سال گذشته بارها در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهایشان و با اعلام اینکه داشتن تشکل و برپایی مجامع عمومی کارگری را حق مسلم خود میدانند، دست به اعتصاب زدند. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کردند

که اجازه نمیدهند که پرداخت دستمزدهایشان به تعویق بیفتد و بطور واقعی نیز برای آن مبارزه دائمی کرده اند. مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه تاثیرات خود را بر روی اعتراضات بخش های دیگر کارگری بر سر دستمزدهای پرداخت نشده گذاشته است و امروز در بسیاری از مراکز کارگری شاهد این هستیم که به محض تعویق پرداخت دستمزدها کارگران دست به اعتراض میزنند.

در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه همواره رهبران کارگران مورد تهدید و فشار نیروی اطلاعات رژیم قرار گرفته اند. از جمله در آبان ماه گذشته چند نفر از آنان بازداشت شدند و در همین رابطه علی نجاتی، محمد حیدری مهر، رمضان علی پور، فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی و ابوالفضل عابدینی برای ابلاغ حکمشان برای روز ۳۱ اردیبهشت به دادگاه انقلاب دزفول احضار شدند.

کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که در صورتیکه به خواسته های آنها پاسخی داده نشود به اشکال گسترده تری به اعتراضشان ادامه خواهند داد.

خواسته های کارگران نیشکر هفت تپه عبارتند از:

- پرداخت فوری ۲ ماه دستمزد پرداخت نشده،

- منع تهدید و فشار بر فعالین کارگری و احضار آنان به دادگاه،

- لغو تمامی پرونده هایی که برای کارگران تشکیل شده است،

- برکناری مدیر عامل و اعضای هیئت مدیره این شرکت،

- برکناری رئیس حراست شرکت که نقش مستقیمی در جاسوسی و سرکوب کارگران و پرونده سازی علیه فعالین کارگری در این شرکت داشته است،

کارگران نیشکر تپه خواهان دست یابی به حق تشکل مستقل خود هستند و برای تشکیل آن تلاش

میکنند.

نامه های حمایتی از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه

طی نامه هایی تحت عنوان به کمک هم سرنوشتانمان در نیشکر هفت تپه بشتابیم جمع هایی از مراکز کارگری زیر حمایت خود را از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام داشتند و خواهان ختم محاکمه قضایی رهبران کارگری در این شرکت شدند:

کارگران برق و تاسیسات ماشین سازی ال ۹۰ درایران خودروپارس خودرو

کارگران پستهای ۲۳۰ کیلو ولت آبیگ قزوین

کارگران ساختمانی و راهسازی درحومه تهران

کارگران پایشگاه نفت پارس تهران

کارگران صنوف ساختمانی

کارگران نیروگاه برق تهران

کارگران متروی تهران

تاریخ دوم خرداد هشادوهفت

جمعی از کارگران صنعتی تهران

جمعی از کارگران مرکز کنترل متروی تهران

جمعی از کارگران فنی عمران وسازهای تهران

جمعی از کارگران معدن فسفات و میگون تهران

جمعی از کارگران ساختمانی و راهسازی در تهران

همچنین کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران) تحت اطلاعیه ای تحت عنوان به حمایت از همزنجیران خود در نیشکر هفته تپه بشتابیم حمایت خود را از مبارزات کارگران نیشکر

هفت تپه اعلام داشتند.

کارگران جهان متحد شوید

گزارشی از ادامه مبارزه قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه



روز ۳۱ اردیبهشت فعالین کارگری هفت تپه به دادگاه احضار شدند. اسامی این کارگران به ترتیب از ردیف بالا سمت راست عبارتند از: جلیل احمدی، علی نجاتی، فریدون نیکوفر، رحیم بساق، رمضان علیپور، محمد حیدری مهر و ابوالفضل عابدینی خبرنگار



عکس هایی از تجمعات اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه

همچنین بنا به گزارش رحیم بسحاق یکی دیگر از کارگران نیشکر هفت تپه در مرحله باز پرسى حکم برائت گرفت.

دادگاه فعالین کارگری نیشکر هفت تپه در این روز تشکیل شد اما جمهوری اسلامی در شرایطی که کارگران در حال اعتراض و

راهپیمائی و در اوج مبارزه خود هستند، جرات نکرد کارگران را محکوم کند و عملاً دادگاه به يك جلسه تقلیل داده شد. کارگران میدانند که هدف جمهوری اسلامی این است که در شرایطی دیگر مجدداً کارگران احضار شده را دوباره به دادگاه بکشاند و محاکمه کند. از اینرو يك خواست فوری کارگران خاتمه دادن به تعقیب قضایی این کارگران است. کارگران خواهان پایان دادن به هرنوع احضار و دادگاهی کردن کارگران و پایان دادن به پرونده سازی علیه آنان هستند. شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد که در راهپیمائی روز ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت توسط هزاران نفر از کارگران سر داده شد، جوهر اعتراض کارگران به پرونده سازی و تعقیب کارگران و لغو همه پرونده ها را، نه تنها علیه کارگران نیشکر بلکه همه فعالین کارگری در سراسر کشور، به نمایش گذاشت.

همزمان با برپایی دادگاه کارگران احضار شده، تعدادی از کارگران نیشکر هفت تپه نیز در مقابل دادگاه تجمع کردند و رفقای کارگر خود در دادگاه را مورد حمایت قرار دادند.

همچنین در شهر شوش نیز هزاران نفر از کارگران و جوانان و مردم شهر دست به تجمع در مقابل فرمانداری زدند و سپس راهپیمائی کردند و با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد در خیابانهای شوش مارش رفتند. در این روز کارگران شعار دادند: معیشت زندگی حق

صفحه ۱۹

تجمع و اعتراض پایان نخواهیم داد. کارگران پس از یکساعت قرار گذاشتند روز دوشنبه نیز دست به تجمع بزنند و به تجمع و راهپیمائی خود پایان دادند.

محاکمه کارگران هفت تپه نیمه کاره رها شد

روز دوشنبه پانزدهمین روز اعتصاب و اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه بود. در این روز کارگران بار دیگر بر خواستههایشان پافشاری کردند و به همراه خانواده هایشان دست به تجمع و راهپیمائی زدند و جاده اندیمشک را بستند. جمعیت با پیوستن جوانان و مردم به ۶۰۰۰ نفر رسید. این تجمع از ساعت ۸ صبح شروع شد و حوالی ساعت ۱۱ خاتمه یافت.

صبح روز ۳۱ اردیبهشت ۶ نفر از رهبران اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه به اسامی محمد حیدری مهر، فریدون نیکوفر، علی نجاتی، جلیل احمدی، و رمضان علیپور به همراه ابوالفضل عابدینی خبرنگار که اخبار این اعتراضات را انعکاس میداد، در دادگاه شهر دزفول محاکمه شدند. ریاست این دادگاه شرم آور را قضای اندی برعهده داشت. وحید احمد فخرالدین وکالت تمامی این افراد را برعهده داشت. دادگاه با یکساعت تأخیر در ساعت ۱۱ صبح شروع شد. و مدت دو ساعت و چهل و پنج دقیقه بطول انجامید. در این دادگاه پنج فعال کارگری و یک خبرنگار به اتهام تبلیغ علیه نظام و تحریک کارگران هفت تپه به برپایی اعتصاب محاکمه شدند. همه متهمین در دفاعیات خود بر بیگناهی خویش و حقوق حقه خود تأکید کردند. یکی از کارگران با گفتن اینکه شعار کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه! يك حقیقت است جرم نیست. از حقانیت اعتراض کارگران دفاع کرد.

در کارگر کمونیست شماره قبل اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه را تا روز ۲۸ اردیبهشت دنبال کردیم. بدنبال آن در ۲۹ اردیبهشت کارگران نیشکر هفت تپه اعتصاب خود را ادامه دادند. در این روز کارگران این شرکت بار دیگر دست به تجمع و راهپیمائی زدند و شعار دادند و عزم خود را برای تداوم مبارزه اعلام کردند. در این دور از تجمعات کارگران نیشکر هفت تپه خانواده های کارگران نیز شرکت داشته و هرروز نقش فعالتری در تجمعات اعتراضی ایفا میکنند. در تجمع و راهپیمائی روز ۲۹ اردیبهشت حضور آنها از روزهای قبل چشمگیرتر بود. در راهپیمائی کارگران در این روز تعداد زیادی از مردم بویژه جوانان شوش به صف کارگران پیوستند. در این حرکت اعتراضی کارگران از ساعت ۸ صبح در محل پل زیر گذر، پل اهواز دزفول، تجمع کردند و سپس بطرف فرمانداری دست به راهپیمائی زدند. در طول راه کارگران شعار میدادند: "معیشت منزلت حق مسلم ما است"، "پرونده قضائی مختوم باید گردد"، "مدیر حراست اخراج باید گردد"، "کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم". کارگران راهپیمائی را پس از يك ساعت پایان دادند. تعداد تجمع کنندگان در ابتدا ۳۵۰۰ نفر بود که با پیوستن مردم و عمدتاً جوانان تعداد آنها به ۵۰۰۰ نفر رسید. با ادامه تظاهرات فرماندار به ناچار میان کارگران آمد و تلاش کرد تا باز هم کارگران را سر بدواند و مبارزه آنها را منحرف کند. از کارگران خواست که نماینده انتخاب کنید تا با آنها صحبت کنیم. کارگران گفتند شما دارید نمایندگان ما را که سال گذشته انتخاب کردیم محاکمه میکنید. الان همه ما نماینده هستیم. و تا پاسخ خواهتهای ما داده نشود به